

به خاطره ماندگار و نجیب انسان‌های شریفی که گل‌های سرخ وجودشان در تابستان خوین ۶۷ پرید چنگال دیوسیر قان پلید شد

## پیاد چانپاختگان فاجعه ملی

### رنگین کمان در زمه‌بربر



از یار من نرفته گناهش  
از ظاهرم نرفته مباریش  
پروانه لطف و سبلای باد او  
در باغ سین خاطره‌ام نم می‌برد  
با خود هم، تاریخ قله رگین‌لعن نور  
نموده می‌برد  
پیش‌مان عاشقش  
(عهده‌وند افخر و شوش در اوج آسمان)  
راه نمایم تم ارجوان عشق  
تمور جاودان  
در غربت غروب  
در زمیر گبود شاش‌سوز  
در هست یا که نیست،  
در بود یا نبور،  
در اوج یا فرود،  
در دیر یا که زود  
از یار من نرفته گناهش  
از ظاهرم نرفته مباریش  
خسرو بازیور

• شهریور، ماه ظلم، ماه اشک! ماه قتل عام آزادی!

• به یاد عزیزان

• این درد همیشه در دل‌ها خواهد ماند

• باز هم در میهنم آن تابستان گرم و خوین فرا من رسد

• قتل عام ۶۷ بزرگترین حلقه قتل‌های زنجیره‌ای

در صفحات ۴ و ۵

## گزارش اجلالس شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### در باره فرایند اصلاحات

### پس از انتخابات مجلس

در صفحه ۳

در این شماره

گزارشی از مسائل و مشکلات کارگران  
هزیره شاهمرادی

صفحه ۶

درماندگی و لایت فقیه در برابر آرای ملت را

با فرمان خودکامه نمی‌توان نجات داد  
مجید عبدالمحمدی، شهریور

صفحه ۸

لیبرالیسم نو و تئوری مبادله آزاد  
ب. کیوان  
صفحه ۹

## فاجعه خرم آباد را چهره‌های آشنا محافظه کاران آفریدند

• اردیوی دفتر تحکیم وحدت نیمه کاره خاتمه یافت

• آرامش فعال در سایه حضور مردم در صحنه سیاسی کشور امکان‌بزیر است

اصلاح‌طلبی است و کشمکش بر

سر محل برگزاری اردو، بهانه‌ای

است برای سرکوب جنبش

داشجویی و تکرار فاجعه‌کوی

دانشگان. روزهای شنبه ۵ و

یکشنبه ۶ شهریور در حالی که

اردیو دفتر تحکیم وحدت بر اثر

یورش گروه‌های ارعاب برهم

خسورد بود و عده‌ای از

دانشجویان از اعتراف به عنوان

سخنران گردشانی، مخالف

پسندند. پیامدهای درگیری،

اقدامات سپاه و نیروهای

انتظامی، نوشته‌های کیانی،

رسالت و سایر رسانه‌های

محافظه کاران، اظهارات

چهره‌های جناح راست، نشان

دادند که حادثه خرم آباد ادامه

خود بودند، درگیری‌ها به اوج

تسلطه‌های زنجیره‌ای

محافظه کاران علیه جنبش

ادامه در صفحه ۲

وقتی که دو هفته پیش آیت الله پیزدی، عضو فقهاء شورای نگاهان در خطبه‌های نماز جمعه تهران از پشت تربیون با لحن تند و پراشفته به تهدید اصلاح طلبان پرداخت و فریاد زد: «بالآخر به کردان، هم می‌رسیم»، کسی نمی‌دانست در این سخن برگزاری اردیوی تسامیت‌گرایان چه آشتبانی جنیه شماست. سخنران گردانند که سر برگزاری این شهر آغاز شد. محافظه کاران چند ساعت پیشتر لازم نبود که گروه‌های ارعاب با سلاح‌های اسلحه‌ای را در خرم آباد و دعوت

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

حمله و حشیانه حزب الهی‌ها  
به دانشجویان در خرم آباد را  
محکوم می‌کنیم!

در صفحه ۲



### زمینه‌سازی رفسنجانی

### برای تهاجم جدید به اصلاحات

او در دو هفته قبل نیز جنبش

اصلاح‌طلبانه کشور را «حرکت

براندز آنده» خواند و در خطبه

نشان جمعه گفت که: «دیگر جای

پرده‌پوشی نیست و واقعاً دشمن

وارد صحنه کرد و گفت: «در اجلال

خرگان همه با تمام وجودشان

احساس کردند که دشمنان

اسلامیت، نظام را هیئت

گرفته‌اند» و اضافه نمود که

مجموعه شوادر خرگان ملت را

واقعاً نگران کرد.

رفسنجانی علاوه بر بیان

نگرانی مجلس خرگان، موضوع

خود را در مورد وضعیت سیاسی

کشور اعلام نمود و گفت: «در

شرایطی قرار گرفتیم که با تعارف

نیش شود بگذاریم مسائل

این گونه جریان داشته باشد. باید

هندسه با اتحاد و همدلی همچون

اکنون یا پیدا شده باشد.

رفسنجانی در ماهیات خود را بعد از انتخابات دوره ششم مجلس

شورا، در تهاجم نیروهای

تمامیت‌گرایی را که دشمن بد راه

آمدته، خنک کیم».

چندی پیش وزارت کشور

اعلام داشت که از سوی دولت

لایحه «قانون احزاب» در دست

تهیه است و به زودی به مجلس

شورا ارائه خواهد شد. با ارائه

دموکراتیک در راه فعالیت احزاب

و سازمان‌های دمکرات و

مالکان خواستار حضور

احزاب با هدف برقرار تسویه

سیاسی هستند، در مقابل یک

کشور مراقب خواهند گرفت.

### جنیش دانشجویان در مرکز

### حملات مخالفین اصلاحات

فاجعه آفرینان در تیر ماه سال قبل نظارهای مسالمت‌آمیز دانشجویان در تهران و تبریز را، امسال نشست قانونی دانشجویان در خرم آباد را به خون کشیدند. در درویادهای فاجعه‌دار، خشونت طبلان و تسامیت‌گرایان یک هدف را دنبال می‌کردند: خاموشی در حیات جنبش دانشجویان خفه کردند. جنبش دانشجویان، آنها مرگ خود را در حیات جنبش دانشجویان می‌بینند.

خشونت طبلان و تسامیت‌گرایان بر نقش و موقعیت جنبش دانشجویان در فرآیند اصلاحات آگاهی دارند. آنها بعد از تعطیلی مطبوعات و دستگیری روزنامه‌نگاران افشاگر، جنبش دانشجویان را در مرکز حملات سازمان یافته خود قرار دادند.

رویداد خرم آباد همانند کوی دانشگاه تهران، کار سازمان یافته و تدریک دیده شده سرکردگان جناح مخالف اصلاحات سیاسی در کشور است.

حزب‌الله‌ها و «لیاس شخصی‌ها» پیاده‌نشانی از حرم آباد را بخوبی می‌دانند. خود را سریعاً به خرم آباد انتقال دادند و اطلاعات لازم را در اختیار آنها گذاشتند. که از حضور سروش و کدیر در خرم آباد در جمیع دانشجویان میانعت به عمل آورند و مانع ادامه گردشانی دانشجویان گردند.

مخالفین اصلاحات بر این تصورند که اگر به دنبال تعطیلی روزنامه‌ها و دستگیری روزنامه‌نگاران، بتوانند جنبش دانشجویان را خفه کنند، دیگر راه اصلاحات سیاسی مسدود خواهد شد و شرایطی برای بازگشت به دوره قبل از دوم خرداد فراهم خواهد آمد.

اما تجربه و رژیم نشان داده است که جنبش دانشجویان از حرکت باز نمی‌ایستد و به خاموشی نمی‌گراید. تاکنون سرکوب حکومت‌ها قادر نشده است که قلب طپنه جنبش از دیگران را از خود بگیرد. نه تنها در اینجا، بلکه در سایر نقاط ایران نیز این اتفاق می‌افتد.

روزنامه‌ها را می‌توان با یک قلم و با یک دستور ولی فقیه تعطیل کرد، می‌توان کاتال ارتباطی را هر روز به بیاندهای همکاری‌ها متناسب نمود. سنتگین صادر کرد، می‌توان کاتال ارتباطی اصلاح طلبان با مردم را قطع کرد و یک جانبه‌ای از اصلاحات را می‌تواند بازگیرد.

دانشجویان ایران به یاد ندارد که حکومت‌گران با سرکوب توائیسته باشند و جدان آگاه جانبه را خاموش نمایند.

به تجربه مشاهده شده است جنبش دانشجویان تنهای زمانی که به زانه حکومت یا جانحی از آن تبدیل شده باشد، سرزنشی و حیات پوینده خود را دست می‌دهد و از نقش پیشگامی باز می‌ماند.

اما این واقعیت را نمی‌توان بازگیری‌ها را متناسب نمود. سیاست دانشگاه‌ها فاقد تسلیک هستند و از سوی دیگر دفتر تحکیم وحدت که با سایر مشکلات فراوانی روپور است. از یک سو گزیری‌ها مخفتفکری - سیاستی در دانشگاه‌ها را می‌گذرانند. که جنبش دانشجویان که جنبش دانشگاه‌های کشور است، با سلطنت اسلامی و استقلال از این اتفاق می‌گذرد.

استقلال جنبش دانشجویی در پویانی و پیشوایانی آن نقش مؤثر و تعیین کننده دارد. اگر جنبش دانشجویی استقلال خود را حفظ کند و شرایط مساعدی برای شکل‌گیری شکل‌های مستقل دانشجویی بازگیری‌ها مخفتفکری - سیاستی فراهم آورد، قادر خواهد بود در مقابل سرکوب مخالفین اصلاحات سیاسی در کشور ایفا کند.

### موقعیت حقوقی احزاب مخالف

### با یاد به رسالت شناخته شود

سیاسی و اجتماعی احزاب و نمایندگان اصلاح طلب مجلس از سوی دولت تعیین شد. قانون احزاب به جامعه اسلامی به شدت پایمال می‌گردد. در قانون اسلامی نیز تعریف مشخصی از دمکراتیک در راه فعالیت احزاب و سازمان‌های دمکرات و مسالمت‌گرایان وجود آید. قوانین موجود سمت و اچحافات نشده است. قوانین موجود سمت و اچحافات از دو دهه است که در

چندی پیش وزارت کشور اعلام داشت که از سوی دولت لایحه «قانون احزاب» در دست تهیه است و به زودی به مجلس شورا ارائه خواهد شد. با ارائه دموکراتیک در راه فعالیت احزاب و سازمان‌های دمکرات و مسالمت‌گرایان وجود آید. قوان

اطلاعیه شورای مرکزی سازمان  
فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
حمله و حشیانه حزب الهی ها  
به دانشجویان در خرم آباد را  
محکوم می کنیم!

حزب الهی ها در خرم آباد فاجعه دیگری آفریدند. آنها با حمله اسازمان یافته به اردوی سالانه دفتر تحکیم وحدت، دانشجویان شرکت کننده را مجبور کردند که گردهمایی خود را نیمه تمام به پایان رساندند و راهی شهرهای خود گردند. آنها در بین راه به اتوپوس های حامل دانشجویان دانشگاه های فردوسی و علوم پزشکی مشهد، دانشگاه چمران اهواز و دانشگاه شیراز حمله برداشتند. مهاجرین که به انواع سلاح های سرد و گرم مسلح بودند، دانشجویان را مورد ضرب و شتم قرار دادند، آنها را از ماشین به بیرون پرتاپ کردند و با طوم، سنگ و یخچوبوسک به جان آنها افتدند. در این تهاجم وحشیانه عده ای از دانشجویان از ناحیه سر و حورت رخت خشند. حزب الهی ها بدنبال یعنی ضرب و شتم ها به انجام راهپیمانی های متعدد در سطح شهر دست گردند و با مردم خرم آباد درگیر شدند. در این درگیری ها یکی از پرسنل نیروی نظامی بر اثر تیر اندازی یکی از عناصر حزب الهی از پاره شد.

مردم ایران و نیروهای آزاد بخواهند اصلاح طلب!  
پورش و حشیانه حزب‌الله‌ها به دانشجویان، تداوم آن فاجعه‌ای  
ست که در تیر ماه سال گذشته در خوابگاه دانشجویان دانشگاه تهران  
تفاق افتاد. در آن فاجعه، عددی از دانشجویان به زندان‌های سنگین  
محکوم شدند ولی فاجعه‌آفرینان آزاداند به جنایت‌های خود ادامه  
دادند.

دستچات حزب‌الله توسط مافیای قدرت و ثروت سازمان یافته و به  
دستور آنها عمل می‌کنند. تا زمانی که این دستچات‌ها جنایتکار دستگیر و  
مورد محکمه قرار نگیرند، هم‌چنان به فاجعه‌آفرینی ادامه خواهند داد.  
برای مقابله با باندهای جنایتکار باید دست به اعتراض زد و  
اعتراضات گروههای مختلف اجتماعی را سازمان داد. باید با اعتراضات  
وسع اجتماعی به ویژه اعتراضات گسترده دانشجویان، گردان‌سگان  
حکومت را وادار کرد که بساط حزب‌الله‌ها و لیاس شخصی‌ها را برچیند  
و آنها را به دست قانون بسپارد.

۷ شهریور ماه

• 333 •

وحدث يک نهاد قانونی و اردوی آن بـا مجوز قانونی برگزار شده است. تجربه پرونده کوی دانشگاه، تورو حجاریان، قتل های زنجیرهای نشان می دهد که نباید فریب هیئت های ویژه را خورد و منتظر ماند که این هیئت ها خشونت طلبان را سر جای خود بنشانند. باید آرامش غال را با حضور سیاسی مردم در صحنه سیاسی کشور به دست آورد، و گرنه جامعه روی آرامش نخواهد دید.

فاصله پنج روزی که نیروهای سپاه و انتظامی در لباس شخصی باسلام گرم و سرد سرگرم جولان در خرم آباد بودند، هیچ یک از مقامات و نهادهایی که اکنون (هیئت ویژه بررسی حوادث) تشکیل داده اند، واکنشی از خود نشان ندادند. گویا رئیس قوه قضائیه، رئیس مجلس، شورای منیت ملی، دفتر رهبری، فرماندهان نیروی انتظامی و سپاه ز حوادث خرم آباد بخوبی بودند و نمی دانستند دفتر تحکیم

حکومتی که قاعده‌ای خاتمه خواهد بود رأی خوانند داد، اما بیدون شک در این صورت در آن هنگام تعداد کشیری از آنان در خانه «آرام» خواهند گرفت و تعداد قلاباً ته حم نیست.

نقد و نیتین سین سیمی سیر بر  
صورت که امیدی به طرح  
مواضع و شعارها و نهایتاً  
کاندیداهایشان در انتخابات  
نداشته باشند، از هم اکنون  
«ناآرامی» را در جامعه دامن  
خواهند زد. «ناآرامی» های  
خشونتبار چه بسا که  
مستمسکی در دست  
اقتنارگر ایان باشد تا امکانات  
خود برای سرکوب جنبش  
اصلاح طلبانه بهره گیری کنند،  
ولی آفزایش «ناآرامی» های  
مدنی و فرارویش آن به  
«نافرمانی مدنی» نیز احتمالی  
است که هر دو جناح حکومت را  
به چالش می طلبد و آنان را به  
اتخاذ راهکارهایی منافق و  
عقبنشینی های ضرور  
فرامی خواند.  
بدون شک تبلور تمام  
کشاکش های کتونی در جامعه در  
انتخابات هشتین دوره ریاست  
جمهوری بار دیگر متجلی  
ادامه داد، صفحه ۳

فاجعه خرم آباد را

## چهارهای آشنای محافظه کاران آفریدند

ادامه از صفحه اول

برخاستاند، در خیابان‌ها حضور  
دارند و رفته، رفته مردم به آنان  
می‌پیوندند. روز یکشنبه ۶  
شنبه‌پیور خیابان‌های مرکزی  
خرم آباد مطلع از جمعیت است و  
تظاهرکنندگان علیه ولایت فقیه  
شعار می‌دهند. سرکوبگران برای  
فرونشاندن اعتراضات و پراکنده  
کردن مردم، توطئه تیرماه سال  
۷۸ را تکرار می‌کنند. آنان با  
کامیون و اتوبوس از شهروهای  
اطراف نیروی سرکوب به  
خرم آباد منتقل می‌کنند، تظاهرات  
متقابل به راه می‌اندازند، به  
تخرب اماکن می‌پردازند و  
لباس شخصی‌های مسلح و ایستاده  
به سپاه و نیروی انتظامی مردم را  
هدف گلوله قرار می‌دهند.

همایت از آنان راهپیمانی می‌کند. جمعیت در پایان حرکت اعتراضی در برابر ساختمان استانداری اجتماعی می‌کنند و از استاندار لرستان می‌خواهند با مهاجمان پرخورد قانونی کند. استاندار می‌گوید: «اردوی دفتر تحکیم وحدت با مجوز قانونی برگزار شده و مستولان نیروی انتظامی سپاه موظف هستند از اقدامات گروههای فشار جلوگیری کنند». وی در ادامه سخنان خود تاکید می‌کند: «در صورت ادامه پرخوردهای غیرقانونی گروههای فشار، از مردم خواهم خواست با شرکت در یک گردنهای بزرگ پاسخ اقدامات خشونت طلبان را بدند». مردم با شعار «خوبی که در رگ ماست، هدیه به میهن ماست»، استاندار لرستان را تائید می‌کنند.

علیرغم حمایت مردم، اردوی دفتر تحکیم وحدت نیمه کاره تعطیل می‌شود. هم محافظه کاران و هم شماری از رهبران اصلاح طلبان حکومتی به تکابوی افتاده‌اند. در کفرانس مطبوعاتی دفتر تحکیم وحدت، از سیاست آرامش فعال دفاع می‌شود. ولی هنوز جوانانی که به اعتراض

لباس شخصیت‌های عضو سپاه با  
مردم منجر شد.

در جریان حوادث خرم آباد رودی دفتر تحریک وحدت که قرار بود از روز اول تا هشتم شهریور جریان یابد، با خزانی محسن آرمین و درخواست وی از دانشجویان به حفظ «آرامش»، نیمه کاره خاتمه یافت، دهها دانشجو در مسیر بازگشت به شهرهای خود در پروجرد، سلسله، پلداخت، ازنا و الشتر از طرف گروههای ارتعاب محلی که از پیش سازماندهی شده بودند، هدف حمله قرار گرفتند و ۲۴ تن از ساموران نیزی و انتظامی که خلاف دستور فک ماندهان خود را، جلدگیری، از

کشتار دانشجویان توسط لباس شخصی‌های مسلح، مداخله گردند، مورد حمله مهاجمان قرار گرفتند.  
روزنامه‌های جناح راست در روزهای نخست با خوشحالی از پیش روی مهاجمان خبر می‌دادند. تیرت درشت روزنامه کیهان روز پنج شنبه سوم شهریور یک روز بعد از آغاز جتباع دانشجویان در خرم‌آباد این خبر بود که: «خرم‌آبادی‌ها کدیبور و سروش را به شیر راد ندادند». در توضیح خبر آمده بود: «در حالی که هوایی‌سای حامل سروش و کدیبور ساعت ۸ صبح در فرودگاه خرم‌آباد نشست، جمع کثیری از نیروهای سیمی، حزب‌الهی و جوانان متدين شهر با اجتماع مقابله پاپوین، مانع ورود آنان به شهر شدند».  
روزنامه جمهوری اسلامی از زیان حسینی میانجی، امام جمعه خرم‌آباد، نوشت: «من به عنوان نماینده ولی فقیه در استان اعلام می‌کنم اگر می‌خواهید کار بدتر نشود، هرچه سریع تر میهمانان ناخوانده را بیرون کنید. در غیر این صورت هرچه دیدید از چشم خودتان دیدید». رسالت، دفتر

خواسته مردم از خاتمی و نیروهای اصلاح طلب:

حقایق پرونده قتل‌های

زنچیرهای را بازگو کنید!

قتل های زنجیره ای بعد از مصاحده خاتمی به موضوع مشاجره بین  
للاح طبلان حکومتی و مخالفین اصلاحات تبدیل شده است.  
ضعیگی های دو هفته اخیر، حدت این مشاجرات را نشان می دهد. اما  
کشمکش ها نه تنها به روشن شدن موضوع کمک نکرده، بلکه بر  
مات این پرونده افزود و مشخص گردید که هیچ ارگان، نهاد و فردی  
نمیتواند بیگیری قتل های زنجیره ای را بر عهده نمی گیرد.  
ز رویداد فاجعه بار قتل دکتر آندیشان بیست ماه می گذرد. افکار  
مردم با حساسیت تمام این رویداد را تعقیب کرده، اطلاعات منتشره  
و دقت مطالعه نموده و همواره خواسته است که «نورافکن» بر  
باریک خانه اشباح» افکنده شود تا فتوادهندگان، طراحان،  
مانگران و عاملین قتل ها معروفی گردند. قتل های زنجیره ای برای  
هم م جایگاه ویژه ای پیدا کرده و به یک پرونده ملی فرا روشیده  
است.

در طی بیست ماد، اطلاعات اندکی در مورد این پرونده در اختیار رئیس سعومی قرار گرفته است. اما در این مدت، عده‌ای از رئیسانهای شهرستان شجاعانه وارد گود شده، اندکی پرسیده‌ها را کنار زده و یا تلاش می‌کنند. تلاش آنها برای کنندگان اصلی را که ریشه این جنایات را بخشکانند، طراحان و سازمانگران اصلی را فی کنند. آن تلاش‌ها موجب شد که افکار عمومی بر ابعاد وسیعی یا تلاش‌ها بپردازند، برخی افراد تاریکخانه اشباح را بشناسند و برگردان آنها آگاهی یابند.

اطراحان و سازمانگران قتل‌ها از یک سو برای روزنامه‌نگاران اماگر پرونده ساختند و آنها را راهی زندان‌ها نمودند و از سوی دیگر ضغوط قتل‌های زنجیره‌ای را از صفحات روزنامه‌ها بیرون برد تا سر ۴ پرونده را به هم بیاورند و همانند مورد کوی دانشگاه با تشکیل گاه فرامایشی قال قضید را بگذند.

آنچه مسلم است طراحان و سازمانگران قتل‌ها نه اطلاعات جدیدی مورده این فاجعه به مردم خواهند داد و نه شرایط برگزاری محاکمه لاله و علی را فراهم خواهند آورد. اما مردم از خاتمی و نیروهای اصلاح طلب انتظار دارند که به قول هائی که به مردم داده بودند عمل نه، حقایق پرونده را برای مردم بازگو کنند.

از ابتدای مشخص بود که اگر پیگیری پرونده در محدوده حکومتی نداشت، راه به جانی نخواهد برد. بخشی از نیروهای اپوزیسیون موضوع بین‌المللی برای کشف حقیقت را طرح نمودند که مورد استقبال اصلاح طبلان حکومتی در داخل قرار نگرفت. عده‌ای از آنها به ویژه اکبر شی، ضرورت تشکیل کمیته حقیقت یاب توسط مجلس ششم را مطرح کردند که موجب خوشحالی نیروهای آزادی خواه گردید، اما مجلس ششم بندهم توجه ننمود.

کنون سرنوشت پرونده قتل‌های زنجیره‌ای نامعلوم است. در شرایطی که نی تها راهی کشف حقایق و معروفی جنایتکاران وجود دارد، کمیل کمیته حقیقت یاب توسط مجلس شورا است. خواست نیروهای ایخواه و اصلاح طلب این است که نسایندگان اصلاح طلب طرح کمیل کمیته حقیقت یاب را به مجلس ارائه کرده و آن را به تصویب مانند.

## «نوش‌دارو»ی اصلاح قانون انتخابات

مه قعیت حقه قه احزاب مخالف باید به سمت شناخته شده

سرانجام پس از انتظاری طولانی، هفته گذشته موسوی لاری وزیر کشور جمهوری اسلامی از تقدیم لایحه اصلاح قانون انتخابات به مجلس سخن گفت، اما وی در عین حال اعلام کرد که لایحه مزبور پس از دشتین دوره انتخابات ریاست جمهوری ارائه خواهد شد. او دلیلی را برای این تأخیر ذکر نکرد، اما ظاهراً دلیل این امر آن است که سردمداران جناح اصلاح طلب حکومت از هم اکنون نتیجه انتخابات را به طور قطعی

---

دست و پاگیر سنتی و مستبدانه روشن ساخت و با گست و نقد آن هویت خود را معنای دوباره پیشید، و با دید معاصر و امروزین به انسان و نهادهای متعلق به وی، به تدوین قوانین پرداخت، به فرهنگ سرکوب و خشونت نقطعه پایان گذاشت و موقیت حقوقی احرباب و سازمانهای سیاسی اپوزیسیون دمکراتی، ابه، سمت شناخت.

همچنان بنیادهای سنتی گذشتند  
حفظ نمود. برای معاصرشدن با  
نظامهای اجتماعی و تدوین  
توانیین مدرن، باید معیار و  
سایههای واقعی مطالبات  
اجتماعی مردم و نهادهای متعلق  
به آنان را مورده بررسی و مطالعه  
دقیق قرار داد و حقوق مدنی و  
جتماعی آنان را به گونهای  
راهنمایی پرستی شناخت، و به  
تبغیض صد ساله در کشور خاتمه  
داد.

در این رابطه باید امور  
حقوقی شهروندان و نهادهای  
اجتماعی آنان را از حوزه قدرت  
سیاسی جدا ساخت و به مشابههای  
رادهای مستقل و آزاد، اصالت  
وجودی آنان را به رسمیت  
شناخت و شرایط را برای  
شکوفائی نقش تاریخی آنان در  
خلق جامعه مدنی و نظام  
بردم سالار آماه ساخت.

ترددیدی نباید داشت که برای  
موزن رفت از این معضل، باید  
کلکف خود، ایاقانی و قاعده

از حالت رانتخواری و تبعیض آمیز کنونی آن، خارج شود و هدف خود را بر توسعه عدالت و برونو رفت از فشای شدیداً ناهمگون و نابرابر فعلی استوار سازد.

حفظ نگاه سنتی به قوانین گذشته، حول مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، و تعیین آن به تدوین قوانین فعلی، کشور و مردم ما را از توانانی حضور در جهان مدرن کنونی باز داشته است، حل این معضل نیز تنها در گروند پیشادین آن است.

تحقیق این مهم، بدون توجه به مبانی حقوق بشر و عرفی نمودن قوانین مدنی و کشیدن خط و مرز معین با بنیادهای ضخیم سنت و فرهنگ استبدادی، ما را در گامهای بعدی با مشکل و موانعی به مراتب جدی تر از شرایط فعلی روپرداخت خواهد ساخت.

امروزه نمی توان شعار «ایران پرای همه ایرانیان» را طرح کرد و از ضرورت تجاوز نمودن گفت، اما

از صفحه اول  
ده  
مانهای سیاسی اپوزیسیون  
گرارات روا داشته و موقعيت  
یدا نابرابری را به آنها تحمل  
ده است. دایره تنگ خودی و  
خودی هوواره معیار تعیین  
ده حکومت در عرصه کسب  
روز جهت تامین فعالیت های  
بسیار و اجتماعی در جامعه  
ده است، که در این میان کلیه  
ساتھ حکومتی در اختیار  
راهی خودی قرار گرفته است.  
حقوق امن تامین بایر حقوقی  
روندان و نیاهای سیاسی و  
معانی آنان و کسب موقعيت  
سر در برخورداری از همه  
ساتھ اجتماعی کشور،  
بندهای رشد مشارکت وسیع  
ر همه سطوح جامعه به وجود  
ده و آن را در خدمت توسعه  
سی قرار می دهد.

ز همین رو تدوین قانون  
هزاب و نیاهای صنفي و  
اجتماعي، می باید از منظري  
دیگر ان جهات، ز ده



خانوادهای تحقیر می‌شدند، به آنها تووهین می‌شد، ولی نمی‌توانست هیچ عکس العمل داشته باشد، خدایا در میهن خودت بیگانه بودی، در دیارت غریب بودی.

بعضی‌ها را مرتب از زندان گوهردشت به اوین پاس می‌دادند و این عمل متقابل تکرار می‌شد. آخر نفهمد محبوش را کجا بردن. ۱۷ آبان اعلام کردند همسرش اعدام شده، قصابان این کله را با راحتی و بی‌رحمی خاصی بیان کردند. با چشم انداز گریانش پرسید: کجا؟ کی؟ پرا...

بعد از آن روز به دنبال گشده‌اش می‌گشت. خبرهای زحمت بر سرگ کرده بودند، همه با چشانی گریان و قلی ملام از درد مشترک از هم سوال می‌کردند، مگر می‌شود؟ مگر بچه‌های همراهش بودند. خانوادهای که پیچه‌هاشان را با زحمت بر سرگ کرده بودند، همه با چشانی گریان و قلی ملام از درد مشترک از هم سوال می‌کردند، مگر می‌شود؟ مگر بچه‌های همراهش بودند. تا به خاوران، دیار عاشقان رسیدند. مادران، همسران با چشمگاهی خود خاک خاوران را جستجو می‌کردند تا شاید عزیزان را یک بار دیگر ملاقات کنند، یکی می‌گفت فرزندم، دیگری می‌گفت و کوکی با پاها لرzan سراغ پایانش را می‌گرفت. قصابان آنها از دستهای گرددوره و حشت کردن، بگیر و بند حاکم بود.

و زن فرزند را به سینه گرفت و با قلب شکسته اش به اید آینده بهتر به پا خاست و با خود گفت: باور نمی‌کند دل من مرگ خویش را نمی‌شنم، نه من این فریب را باور نمی‌کنم. تا همراه من است نفس‌های زندگی تا آنکه هست در زمانه یکی جان دوستدار من مرگ هیچ عزیزی را باور نمی‌کنم. یادشان گرامی باد.

## شیرین امیری

# به یاد عزیزان



سامان چرانیم ریم بابائی را بسینم؟ چرا؟ چرا؟ سوال‌ها بی‌جواب می‌ماند. تمام مسیر برگشت همراه کودکش گرید کرد. دلش گواهی خسراهای بدی را می‌داد، ولی نمی‌خواست باور کند. نمی‌خواست فاجعه را پذیرد. نمی‌خواست عشق را در پستوی خانه نهان کند. او تنهای نیو، خانوادهای زیادی همراهش بودند.

بعد از آن روز به دنبال گشده‌اش می‌گشت. خبرهای زحمت بر سرگ کرده بودند، همه با چشانی گریان و قلی ملام از درد مشترک از هم سوال می‌کردند، مگر می‌شود؟ مگر بچه‌های همراهش بودند. خانوادهای که پیچه‌هاشان را با زحمت بر سرگ کرده بودند، همه با چشانی گریان و قلی ملام از درد مشترک از هم سوال می‌کردند، مگر می‌شود؟ مگر بچه‌های همراهش بودند. تا به خاوران، دیار عاشقان رسیدند. مادران، همسران با چشمگاهی خود خاک خاوران را جستجو می‌کردند تا شاید عزیزان را یک بار دیگر ملاقات کنند، یکی می‌گفت مهندس است. آن یکی می‌گفت مهندسان است. این یکی می‌گفت مال من معلم است، یکی می‌گفت میهمشان و برقراری عدالت اجتماعی مبارزه می‌کند، همواره به خدا تماد دوران کوکیش با رنج بزرگ شده است. و زن به بساد همراه افتاد، به بساد روزهای گرم تابستان شهرشان افتاد. آخه دوران کوکی را با هم بزرگ شده بودند، به بساد روزهایی که مجوز بود به خاطر خاطر کمک به خانواده‌اش کار کند، به باد محرومیت‌های شهر و دیارشان اتفاق نداشت و آرام آرام اشک ریخت، چرا، مگر همسرش را می‌شد با آن قلب همراهش... آخ! زبان لال.

در ماههای مهر و آبان مرتب خانواده‌ها دم زندان جمع می‌شوند، خیلی ساکت و نگران. همه با رنگ و روشنی که رنگ پائیزی می‌دانند، همیگر را نگاه می‌کنند. زندان نگران نیست، سعی زنگان را از حمله مجاهدین گذارد. روزگار عجیبی بود، در آن زمان به بساد شعر شاملو افتاده بود، با خودش زمزمه کرد:

آنک قسابانند  
برگزراگاه مستقر  
باکنده و اطهار ناراضیتی  
خودش را از حمله مجاهدین  
ابراز می‌کند.  
در همین حین ناگهان صدای  
نگهبان به گوش می‌رسد که وقت  
ملاقات تام شد. انگلار تسام  
وجودش چشم شده بود و  
می‌خواست تا آن همسرش را در  
ذهنش داشته باشد. آری این  
واقعاً روزگار غربی بود که  
حتی در تاریخ حکومت  
ستم شاهی هم نمی‌شد آن را  
پستجو کرد. این روزهای  
هولناک که هر روزش به قدری  
ستگین بود که می‌توانست او را  
از پا در بیاورد. ولی به بساد  
گفته‌های همراهش افتاده که  
می‌گفت: «انسان‌هایی که برای  
زندانی حکم داده‌اند داشته باشند...  
نه نه امکان ندارد.

بعد از آن روز تسام ملاقات‌های زندان گوهردشت قطع شد. او در روزهای ملاقات زندان می‌رفت ولی جواب نمی‌شید که در آن بند بودند. آرامش خاصی وجودش را پیر منوع الملاقات هستند. دوباره بساد از آن روز تسام می‌گذارد. ایاب و نذاب تیهه کنند.

با طیش قلب وارد سالان ملاقات می‌شود و بعد از چند لحظه همسر مهربانش را می‌بینند.

آرامش خاصی وجودش را پیر می‌گذرد. دیگر نگران نیست، سعی می‌گذارد. ولی چشان همراه می‌گذارد. عجیبی بود، در آن زمان به بساد زنگان است، با حالات خاصی وضعیت غیرعادی آنرا بیان می‌کند و اطهار ناراضیتی باکنده و مخصوصاً سالان می‌گذارد. از این قسم از عرضه این موقعاً مجموعه اسنادی که از چشم اسرای این قتل عام خواسته شده است، حداقل دو تا از هزار اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعدام هزاران نفر از رهیان، کادرها، اعشا و هواداران سازمان‌های سیاسی در روزهای پایانی جنگ ایران و عراق و ظاهرا به دلیل حمله مسلحان مجاهدین خلق از عراق به خاک ایران شروع شد. در نخستین موج، مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این در باره کشته‌اند. گوششانی از جایی که در مدها نشسته و خاطره، انسان نگفت! بازماندگان معده از قتل عام زندانیان سیاسی را بازگوی کردند. کشته‌ها از سرمهان با قطع ملاقات خانواده‌ها از مرداد ماه سال ۶۷ آغاز شد، در روزهای شنبه بارگردان خواسته این اعدام را بایان رسید. تا دی ماه سال ۶۷، آخرین قربانیان را که هنوز زنده مانده بودند، به مقابله جوخدای اعدام فرستادند.

از رقم دقیق اعدام شدگان اطلاعی در دست نیست، شاید حتی خود مجریان این قتل عام و حشمت‌کار مد ندانند که چند نفر را کشته‌اند، اما اسناد از هزاران کشته شده از روزهای پیش از این سخن اغراق نیست. مطابق مجموعه اسنادی که از سوی اپوزیسیون جمع آوری شده است، حداقل دو تا از هزار نفر در چریان این قتل عام اعدام شدند.

اعد

## قتل عام ۶۷ بزرگترین حلقة قتل های زنجیره ای

آیا اصلاح طلبان، و در اس آنان آفای خاتمی، حاضرند در مورد قتل عام سال ۱۳۶۷ توضیحی در اختیار مردم ایران بگذارند؟

حسین باقرزاده

را در گورهای گستاخ دسته جمعی  
دفن کردند و از دادن نشانی آن به  
خانواده‌های قربانیان استناع  
کردند. و بالاخره، تعداد قربانیان  
این قتل عام که فقط در یک ماه  
شهریور سال ۱۳۶۷ از یکی دو  
هزار نفر تجاوز کرد از وسعت  
وحشتاتک این فاجعه بزرگ  
حکایت می‌کند.

اکنون ۱۲ سال از این فاجعه  
می‌گذرد، و هزاران خانواده داغدار  
قربانیان (که چند نفر از بستگان  
دور نگارنده را نیز در مریگرد (د)  
هم‌چنان در انتظار روشن شدن  
جزئیات آن هستند. آن‌ها  
می‌خواهند پدانند که چه کسی یا  
کسانی مسئول این جنایات  
بوده‌اند، چرا باید این اسیران کشته  
می‌شدند، قربانیان کجا دفن  
شدند، و چرا هنوز که هنوز است  
رژیم جمهوری اسلامی از  
روشن شدن این واقعه اجتناب  
می‌کند، علاوه بر این خانواده‌ها،  
ملت ایران است که خواهان روشن  
شدن جزئیات همه قتل عام‌های  
زنگیری‌ای و پخصوص این قتل عام  
بزرگ است. آیا اصلاح طلبانی که  
امروز دم از دمکراسی و حکومت  
قانون و حقوق بشر می‌زنند نباید  
برای پاسخ به این شرط‌الات بخورد  
زحمتی بدهند؟

البه در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی افشاگری های مردبوط به قتل های زنجیره ای اخیر را نتوانسته تحمل کند و روزنامه ها و روزنامه نگاران افشاگر را سختی مجازات می کند، انتظار این که رژیم اجازه دهد تا موضوع قتل عام های زنجیره ای و بخصوص قتل عام ۱۳۶۷ در گامه مطرح شود واقعیت بینانه نیست. ولی اصلاح طلبانی که این عکس العمل رژیم را تبیح می کنند و برای توجیه مشروعیت خود چشم به

ارای مردم دارند چه می کویند؟  
 بسیاری از اصلاح طلبان امروز  
 به هنگام وقوع این قتل عام،  
 مسئولیت های حکومتی داشته اند.  
 کمترین صداقت سیاسی ایجاب  
 می کند که آنان بداعی سه سوال  
 ساده زیر پاسخ دهند:  
 ۱ - آیا در زمان وقوع این  
 فاجعه از آن مطلع شده اند یا خیر با  
 توجه بد وسعت قتل عام و انعکاس  
 جهانی آن، پاسخ منفی به این  
 سوال بسیار پر معنا خواهد بود.  
 ۲ - در صورت اطلاع،  
 عکس العمل (فعال یا منغل) آستان  
 در آن موقع چه بوده است؟  
 ۳ - آیا مسئولیت نسی خود را

در این فاجعه، به نسبت سهم خوش در قدرت (و یا احیاناً شرکت در اجرای آن) می‌پذیرند یا خیر؟  
این سوالات متوجه همه اصلاح طلبانی است که امروز برای حکومت قانون تلاش می‌کنند و در دهه ۶۰ و بخصوص بدنه کام و قوع قتل عام ۶۷ مصدر کاری بوده‌اند. ولی چه زینده است که آقای خاتمی در پاسخ به این سوالات، پیشقدم شوند تا بلکه سایر اصلاح طلبان نیز به ایشان تاسی جویند. آقای خاتمی همین روزها برای شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل به نیویورک می‌روند تا طرح گفتگوی تمدن‌های خود را به مهانیان عرض کنند. امید که ایشان به گفتگوی بین خود مردم بگذرانند.

قتل است» جواز اعدام دسته جمعی آنان را صادر کرد. طولی نکشید که نزدیک به ۱۴۰ نفر قربانی این قتل عام شدند.

سال ۱۳۶۰ و پس از عزل بنی صدر از ریاست جمهوری و تظاهرات ۳۰ خرداد مساجدین و انفجار مقر حزب جمهوری اسلامی بود که سلسله اعدام‌های دسته جمیع بدصورت مظلوم و پیوسته شروع شد. در ظرف یکی دو سال، هزاران نفر به خونه مرگ سپرده شدند. مائنین اعدام روز و شب بکار مغفوّل بود، و گاه می‌شد که بیش از صد نفر در یک روز و در یک زندان اعدام شوند. عاملان این قتل عام وسیع گاہ حتی به خود رحمت نسی دادند که هویت قربانیان خود را پیش از گشتن مشخص کنند. علاوه بر این، از این که گاه دست خود را بدخون نوجوانان گشان زیر ۱۵ سال بیاید نیز ابا نداشتند. آیت‌الله موسوی تبریزی صریحاً اعلام می‌کرد که دختران بالای ۹ سال را می‌توان اعدام کرد و روزنامه‌های ایران عکس نوجوانان ناشناسی را پیچای می‌راندند که اعدام شده‌اند و از اولیای آنان خواسته می‌شد که اگر آن هارا می‌شناسند باید تجویی حشدان مراجعت

غالب این قتل عام‌های دسته جمعی که چندین سال ادامه داشت آنها علی بود. یعنی این که افرادی به دلایل سیاسی و گاه مذهبی یا به اتهام الوهگی به مواد مخدر و مانند آن دستگیر می‌شدند و گروه گروه به جوخدار اعدام سپرده می‌شدند و سپس جسد های آنان تحويل خانواده هایشان می شد. علاوه بر این، رژیم جمهوری از این که اعلام کند که دست به کشتن آنان زده است ابابی نداشت. ولی قتل ها و قتل عام های دیگری در

بیست و یکی دو سال جمهوری اسلامی صورت گرفته که چنین نبود. چه بسیار افرادی که این جا و آن جا صورت فردی یا گروهی بقتل رسیدند و حتی خبر آن هم جانی منتشر نشد. در یک میزگرد رادیویی که در ششم ژوئیه گذشته در رادیو اروپای آزاد انجام شد، اقای دکتر قاسم شعله سعدی در تائید نظر من مبنی بر این که یک کیسه حقیقت یاب باید نه فقط به قتل های زنجیره ای ده ساله گذشته بپردازد و بلکه لازم است همه کشتارها و تجاوزات حقوق بشری دو دهه گذشته را مورد تحقیق قرار دهد گفت که بله، «مثلاً ما در دهه

اول انقلاب حوادث مانند گروه  
نقنات در چهلم را داریم که تعداد  
زیادی از مردم را کشته‌اند و در  
نقنات اندخته‌اند. از این کشته‌اند  
آنچه که من اطلاع دارم تاکنون خبر  
و اطلاعی در جانی منتشر

نکداست.  
ولی درین این سلسله قتل  
عامهای مخفی و اعلام نشده،  
کشتار زندانیان سیاسی سال  
۱۳۶۷ فجیع ترین و مخوف ترین  
بشنار می‌رود. یکی بدلی این که  
قریباً همان شمه امسیر و زندانی بودند.  
دوم این که غالباً آن‌ها پس از  
دستگیری و شکنجه به زندان  
محکوم شده بودند و حتی با  
معیارهای قتل عامی سال‌های  
۶۰ پی بعد مستحق اعدام شاشنخ نشده  
بودند. سوم، برخی از آنان دوران  
محکومیت خود را گذرازده بودند  
و در انتظار رهایی از زندان روز  
را پنهش می‌رساندند. چهارم،  
پس از کشتار آنان، جنازه‌ها یشان

دیگر که همه صبغه سیاسی داشت و عمدتاً در ده سال اخیر اتفاق افتاده بود بر ملاگردید و اصطلاح قتل‌های زنجیره‌ای به مجموعه آن‌ها اطلاق شد. ولی علیرغم کوشش این نویسندان و خواست عمومی برای تحقیق و بررسی این قتل‌ها، نه تنها جمهوری اسلامی قدیمی برای روشنگردن زوایای تاریک این جنایات برداشت، که حتی پرونده معروف به قتل‌های چهار نفر یاد شده فوق نیز راه به جائی نبرد. و علیرغم اعتراض رسمی دولت بر این که ماموران عالی رتبه وزارت اطلاعات مستقیماً در این قتل‌ها دخیل بوده‌اند تاکنون حتی یک نفر نیز به‌انهای این قتل‌ها محکمه و مجازات نشده و کمترین اطلاعی در مرور آمن و عاملان قتل‌ها در اختیار مردم، و یا دست کم در اختیار خانوادگان مقتولان یا وکیلان ایشان. قرارداد نشده است. بجای آن، روزنامه‌هایی که خواستار پیگیری این جنایات بودند همگی تووقف شدند و روزنامه‌نگارانی که به کندوکاو جزئیات این جنایات می‌پرداختند سر از زندان اوین در آوردند. قتل‌های زنجیره‌ای که تعداد آن‌ها تا به اظهار برخی مقامات

جمهوری اسلامی تا هشتاد و چند نفر می رسد جنایت و سیع و سازمان یافته ای را حاکیات می کند که بطری سازمان یافته در طول چند سال پی بست عوامل حکومتی در ایران ابتلای این فعالیت است. ولی این قتل ها تنها بخشی، و آن هم بخش نسبتاً کوچکی، از مجموع کشته های بشار می رود که در طول عمر این جمهوری در ایران صورت گرفته است. این کشته ها چنان وسیع و متسابق بوده اند که می توان از آن ها تحت عنوان «قتل عام» های

زنجرهایی) یاد کرد - قتل عام هایی که حتی در ایران پس از دوم خرداد نیز نسی تنوان حتی از آنها یاد کرد. بزرگترین قتل عام از این مجموعه همان طور که گفتیم در تابستان دوازده سال پیش در ایران صورت گرفت. ولی این اولین کشتار گروهی در ایران نبود. از همان اغاز پس از استقرار جمهوری اسلامی، کشتن گروهی افراد در زندانها و پایدارشگاهها بصورت عادی در آمد. در همان یکی دو سال اول انقلاب کم نبودند افزاید که بصورت گروهی در برابر جوخداد اش قرار گرفتند و جان خود را از

دست دادن.  
اویل نوع از این اعدام‌های  
دست جمعی در سال ۱۳۵۸ و کمتر  
از یک سال پس از پیروزی  
انقلاب در کردستان شروع شد و  
دهما و شاید حددها نفر قربانی

گرفت. تصویر تکان دهنده یک زندانی مجروح کرد که نسی توانت روی پای خود بایست و همراه عده‌ای دیگر در یک صحنه تیرباران شدن همان موقع در مطوعات جهان انتشار یافت و هنوز در ذهن ها زنده است. کتر از یک سال بعد، کشtar دست جمعی متهمان به شرکت در طرح کسودتای معروف به نوژه اتفاق افتاد. تلویزیون ایران نشان داد که آیت‌الله ری‌شهری دادستان نظامی وقت به حضور آیت‌الله خمینی رسید و گزارش کوتاهی از دستگیری و اعتراضات متهمان را تقدیم کرد. سپس آیت‌الله خمینی با گفتن چند کلمه که «حکم آنان

می شود. این هیئت هر زندانی  
(مسلمان زاده) را در برابر سه  
سؤال از این قبيل قرار می دهد:  
۱ - آیا استعدادات مذهبی  
داری؟  
۲ - آیا نماز می خوانی؟  
۳ - آیا حاضری علیه سازمان  
متوجه خود موضع بگیری؟  
پاسخ منفی به هر یک از این  
سؤالها از طرف زندانی سمعنای  
امضای حکم اعدام خودش بود.  
وقت کم و اعمال بسیار البته اجرازه  
نمی داد که وقتی در این کار اعمال  
شود و بتاچار از بین کسانی که به  
هر سه سوال هم پاسخ مثبت داده  
بودند ممکن بود سر بعضی بر دار  
روود و پا بدین آنان امام گلوله های  
جوخه اتش قرار گیرد. ولی از دید  
کسانی که کترین ارزشی برای  
جان انسانی قایل نبودند این  
«اشتباهات» اهمیت چندانی  
نداشت.

از این جنایت و حشمتاک اکنون  
۱۲ سال می گذرد. ولی سخن گفتن  
از این جنایت و حشمتاک و  
دامنه دار، آن هم پس از دوازده  
سال، در ایران چنان شکل است  
که حتی یادکردن از آن در یکی دو  
یوز نامه داخل کشور به توقیف  
آن ها و تعقیب مدیران آن انجامیده  
است. در یک مورد خاص، سال

گذشته وقتی یکی از پسران آیت‌الله مظتری طی نامه‌ای در یک روزنامه در یکی دو سطر به این واقعه اشاره کرد با خطاب تند دو روحانی بلندپایه جمهوری اسلامی مواجه شد که چرا از این واقعه یاد می‌کند. امروز یکی از آن دو روحانی در مقام ریاست مجلس «اصلاح طلبان» نشسته است و دیگری ریاست فراکسیون خود خداد همین مجلس را بعهده دارد.

همه شنیده‌ام. این اصطلاح پس از قتل فجیع داریوش و پروانه فروهر و مختاری و پوینده در سال ۱۳۷۷ مطرح شد. بعد با پیگیری روزنامه‌های اصلاح طلب و روزنامه نگاران شجاعی مانتند اکبر گنجی و عصادالدین باقی شماری از قتل‌های حل نشاده ت، باید سرنوشت دردمدانه‌ای را ت و در لحظات تیرباران و اعدام و پیدا کردند، به حکایت هر کوی و بدل کرد که داعیه دوری گزینی از و ترسور و شکنجه را دارند. از رکشور هستند باید خواست تا

ی سیاسی ایران در دهه نخست د پیرامون چنایات آن سالها و به در آیند. وعده آینده مردم‌سالاری ح موانع دموکراسی تنها آنگاه در نتیجه رهاندۀ نیروی بزرگ سالمت‌جویی، مدارای سیاسی و

دان ۶۷ گفته و نوشته شود. اندک  
داستان تا نقاشی و موسیقی، و تا  
و باز آفرینی صننهای این جنایت  
ت. هر میزان خاطرات زنده آن  
با بد رشته تحریر درآید، تنها گوش  
بر آنچه مگر قتلار است. باید گفت و  
از عقی فاجعهای که بر حیات و  
کپاپو درآید که دیگر هیچگاه نه  
دری مسحال آن را نیابد. تا چنین  
لی! «بر دل خلایق بشاند و تحیری  
بیاراند.

شهریور ماه یاد آور قتل عام وسیع زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ است. در آن موقع، پس از پایان جنگ ایران و عراق و لشکرکشی مجاهدین خلق به داخل ایران که به شکست و تلفات سنگین آنان منجر شد، مقامات رژیم جمهوری اسلامی ایران به جان زندانیان و اسیران بی دفاع افتادند و عدد زیادی از آنان را (که رقم آن هیچگاه مشخص نشد، ولی بنا بر پیشترین تখیین‌ها سر به هزارگان می‌زند) قتل عام کردند. از آن‌گاه تا کنون هزاران خانواره مصیب دیده ایرانی توانسته‌اند از این که چرا و چگونه جنگ‌گوش‌ها بشان به سلطخ پرده و کشته شدند و بعد هم اجساد آنان بدون اطلاع خانواده‌ها بشان در گورهای دسته‌جمعی بی‌نام و نشان دفن شده کوچک‌ترین اطلاعی به دست بیاورند.

قریبایان این قتل عام همسکانی ظاهر این‌گاهاشان این بود که برای مدتی در زندان‌های جمهوری اسلامی اسیر بودند. آنان که سال‌ها پیش دستگیر شده بودند «جرمشان» از نظر مقامات جمهوری اسلامی آن قدر سخت‌گین نبود که مانند هزاران نفر دیگر پس از دستگیری، در یک «محاکمه

سریع و سر پائی به اعدام محکوم  
شوند و بقتل برستند، بچای آن، هر  
کدام به زندان‌های کوتاه یا بلند  
محکوم شده بودند و یا نتوز در  
انتظار محاکمه و تعیین  
سرنوشتشان بسر می‌بردند. برعی  
نیز مسدت محکومیت خود را  
گذرا نده بودند و در انتظار رهایی  
خویش روزشماری می‌کردند.  
ولی در تایستان سال ۱۸۷۶ کاسه  
صیر حاکمان جمهوری برای تحمل  
حیات این زندانیان لبریز شد و  
دستور امده که زندان‌هارا از وجود  
آنان پاک کنند.

از جزئیات این قتل عام بزرگ اطلاع دقیق و مستندی در دست نیست. ولی از اظهارات مدعوی از افراد که از این فاجعه جان سالم پدر بردنده بود می‌اید که روند کار خلیل ساده و کارآ بوده است: یک هشت سه نفره در هر شهری سامور اجرای این قتل عام

سکوت خود در باره فاجیع زندان  
حکومت جمهوری اسلامی را بشنید  
و پیش فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ به سبب  
و قانونداری، و داعیه امروز اص  
می تواند به باور جامعه بدلت شود  
رهایی در جامعه و سازنده فرنگی

این درد همیشه  
در دلها خواهد ماند

بہزاد کریمی

(۱) هنوز هم که هنوز است ژرفای «فاجعه ملی» کشتار زندانیان سیاسی نهان مانده است. از همان زمان که اخبار داشتاتک این جنایت عظیم از پشت دیوارهای سیر زندان‌ها به بیرون درز کرد تا به امروز که دوازده سال از آن می‌گذرد، در تبیین این فاجعه تاریخی، تحلیل‌های سیاسی بسیاری ارائه شده است. همه مادست اندکاران سیاست، پیرامون چراچی تصمیم سیاسی حکومتگران در قتل عام زندانیان سیاسی و نیز اینکه گزینش زمان ارتکاب این جنایت بر پایه کدامیں دلایل بوده است، بارها سخن گفته و مقاله نوشته‌ایم. در طول دوازده سال گذشته، در این زمینه نیز که در جریان آن سلاختی‌ای سابقه، چه جان‌های عزیزی را از دست دادیم و چه سرمایه‌های هنگفت معنوی کشور پریاد رفت کسایش سخن رفته است. همین اندک بیوگرافی‌های متشر شده از تعداد اندکی از ابوعوه قربانیان جنایت، بیانگر خسارت سیاسی و فرهنگی جریان ناپذیری است که چون صاعقه بر فرق ایران مافروود آمد. این نیز حقیقت دارد که در طی این زمان، به همت همه نیووها، جریان‌ها و فعالان سیاسی و فرهنگی اپوزیسیون جمهوری اسلامی، تلاش‌هایی شده است تاکه این جنایت تاریخی به کینج فراموشخانه تاریخ راندند شود و تاکه این سند بزرگ حکومتگران ادمیکش همواره در پرایر دیدگان بشیریت و وجودان سیاسی ایرانیان قرار بگیرد. در اینجا حتی قصد آن نیست تا به بازنگویی شناختهای و خبائث‌های مجریان فرمان قتل عام در شهریور و مهر خوین سال ۶۷ برخیزیم که دستکم گوشده‌هایی از آنها از معبر خاطرات اندک بازماندگان و جان سالم بدیرپردازان زندان‌های آن سالها برملا شده است. دیده‌ها و شنیده‌های جانگرا از ایندست، که در آن لحظه‌های شتاب برای رویدادشدن زندان‌ها از فرزانگان مردم، چگونه یک نفر به سهو زندانیان به جای قربانی دیگری اعدام می‌شد و چسان یک گروه از زندانیان که به تشخیص گروه سنه نفره نساینده خمینی مستوجب مرگ نبودند و می‌باشت از در آزادی راهی زندگی دوباره می‌شدند، تنها به خاطر خطای مأموران مرگ از دوازده مرگ گذر کردند تا نکته نفر زندنیدیاد احمد شاملو مصدق اعینی یابد که گفت: «ترس من از مردن در سرزمینی است که در آن مزدگورکن بیش از ارزش جان ادعا است».

آری، اندیشه را بد و پیوذه بدانجا پرواز یابد داد تا دریافت که کدام رفتارهای سیاسی و چه نوع از ساختار حکومتی بر میهن مسیطه افکنده است که امکان می دهد تا چند هزار انسان فریخته جامعه طی فقط چند روز و چند هفته به فرمان یک شخص و تفسیر سه فرد از این فرمان، این چنین بی محابا قتل عام شوند. در کشوری که یک عقیده و باور، محور همه امور شود و به سلطح حکومتی فرا برپرید، البته که سیاست زندانی می شود و ناگیر زندانی سیاسی به نشانه نقی و نقد وضع موجود پدید می آید. در چین حکومتی، قانون، اراده حکومتگران تغییر می شود و عناصر مشکله ساختار حاکم، جامعه را در خدمت حکومت و نه حکومت را در خدمت جامعه من فهمند و بینشان راه را هموار می کنند تا مظلمه هایی چون اولین قتل حصار، توحید و غیره برپا شود. عمق فاجعه را آنچه باید فهمید که یک صاحب قدرت، هیچ قانون و مقرراتی و لو قوانین خود ساخته و خود پذیرفت را برنسی تابد و بی هیچ بیم از مسئولیت در مقابل مردم، حتی برای اجرای مقاصد خود، دیوان اداری خویش را دور می زند و به سه تن وظیفه می دهد تا با چند پرسش کوتاه، تکلیف جان و زندگی چندین هزار انسان را تعیین کنند در هریان کشتار دسته جمعی زندانیان سیاسی سال ۱۹۷۶ اهانت عظیمی به مردم ایران روا شد، حق مدنی ایرانیان به خشن ترین و بی رحمت ترین شکل ممکن پایمال شد. «فاجعه ملی» در سال ۱۹۷۶ برگزترین تحقیر ملی مردم بود. نه فقط یک حکومت که فقط یک شخص، از سوی همکان تصمیم گرفت، پذیرین تصمیم راه گرفت و به رذیلانه ترین شکل نیز آنرا به اجرا درآورد. از اینروز است که ابعاد «فاجعه ملی»، در مزراوهای کمی جنایت و خواست خسینی و وارثان آن محدود نمی شود. «فاجعه ملی» را در استبداد زنجیرگشته و بیدار عنان گیخته ای باید بازشاخت که در آن زمان بر میهن مارفت. پس، وظیفه ما تهاده این خلاصه نمی شود که همه ساله باد به خون خفتگان شریبور ۷۶ را گرامی و بزرگ بداریم، وظیفه بر تر و اساسی تر ما آنست که اندیشه، رفتار و روش سیاسی افرینشende «فاجعه ملی»، فرنگ پذیرای این فاجعه، و هنجهارهای خویزدیر با چنین استبداد، بیدار، بی قانونی و جنایت ها را، بی وقنه در بربر دیدگان مردمان قرار دهیم تا دیگر فجایعی از ایندست و لول در امداد نداشته باشند.

(۳) در دوازده سال گذشته، هیچگاه شرایط جامعه برای طرح گستردۀ ماهیت، محتوی، شکل، کیفیت و ابعاد حادثه مهیب شهريور خونین سال ۶۷ به اندازه امروز مساعدت نبوده است. امروز، بخش بزرگی از همانها که ياخود مباشر و شريک آن قتل عام‌ها بودند، يما مبید و مدافع آن جنایت و يسا در بهترین حالات ناظري صموپكم بر رفت و روب زندان‌های حکومتی، حال به خود آمداند و بيدار دشداند. آنها در مسیر تغیيرات و تحولات باز هم پيشتر قرار دارند. اينها خود آنکون در صفحه مقدم قربانیان استبداد و بيدار حاكمان ديني قرار گرفته‌اند. چند سالی است که زندانها ميزبان آن يخش از رفقاران جمهوری اسلامی هستند که تنها بد اين سبب مجرم هستند که بينست و فضاحت راه طي شده را دریافتند و از تقابل با مردم به هسوسي و يا همراهی با مردم کشیده شده‌اند. امروز احترام و عمل به قانون، تغیير قانون به سود و دلخواه مردم، نقد و نفي هر اراده و رواي رأي و اراده مردم، تحکيم جامعه مدنی و تکين قدرت سیاسی به اين جامعه، مشخصه‌های جنبش فراگیری است که صحنه سیاسی کشور ما را به تسخیر خود کشیده است. درست در چنین اوضاع و احوالی است که باید پيگيري پرونده قتل‌های زنجيره‌دار را تا بازگشتن پرونده قتل‌های دستگجعی سال ۶۷ و همه سالات سیاست حکومت اسلامی ادامه داد. حال که كلمه زنداني سیاسی دگرباره



# گزارشی از برگزاری مراسم سالگرد بآپک خرم دین

ایران و خاورمیانه محسوب می‌شود و از طرف سازمان‌های بین‌المللی در این مورد مدارک فراوانی وجود دارد. جمعیتی که آمدند به نحوی شامده بودند که در صرف بودجه‌های اعتباری که به حفظ و نگهداری این گونه اثار تخصیص داده می‌شود عدالت رعایت نگرددیده است. با اینکه

ترمیمی نسبتی قابل قول از تخریب عدمی قلعه  
توسط ناشناسان علوم العقیده به عمل آمده است، ولی هیچگونه اقدام دیگری انجام نگرفته است. او لین مسئله‌ای که در ذهن خاکدش می‌گردید این بود که چرا با بک این همه مظلوم است؟ سرویس بهداشتی در حد صفر است. متولیان رسیدگی به امورات آثار باستانی نخواهند توانست در مقابل چشمان تیزین شرکت‌کنندگان آذربایجان خود را پنهان کنند و مطمئن باشند که این اختلاف در سینه ۲۰ هزار نفری که امده بودند زندانی نخواهد شد، بلکه سینه به سینه منتقل خواهد گردید.

۴- اگر عرف اعادی و معقول و عادلانه در پوشش خبری اتفاقات اجتماعی از طرف خبرگزاری‌ها در کشور و صدا و سیما رعایت شود برای جمعیتی که این گونه خودجوش جمع شدن و این حساسه را آفریدند باید ساعت‌ها برنامه تولید شود و از صدا و سیما مرکز برای کل ایران پخش گردد ولی تابهه حال هیچ برنامه‌ای در این راسته پخش نشده است. باور کنید که این حساسه یک اتفاق ساده و مربوط به

فوق العاده خوبی را به وجود آورده بود.

کسانی که می‌توانستند به آنانی که خسته بودند در کار صعود کمک می‌کردند و این در جای جای مسیر به چشم می‌خورد. مردم از امکانات شخصی که با خود اورده بودند به همدیگر یاری می‌رسانندند. در ترافیک سختی که بوجود آمده بود و لاجرم تصادفاتی انجام می‌گرفت گذشت و مهرپایی فضایی اکنده از دوستی و تقدس را حاکم کرده بود. مردم به شدت همدیگر را رعایت می‌کردند و کسانی که از بایک و حاسه وی اطلاعات بیشتری داشتند به کسانی که مشتاق دانستن بودند سخن می‌گفتند و هرگز کسی بر دیگری فضل فروشی نکرد. این همه بسیار مقدس و مبارک است و توان و عمق خواست ملی ملت آذربایجان را نشان می‌دهد. ذات این خواست‌ها وحدت آفرین و مهرانگیز است. مردم به ما یاد دادند که باید با همدیگر تعاوون داشت و یکدیگر را یاری رسانند و کمک به همدیگر را ارجح تر از همه اتفاقات و تصادفات دانست.

شہر کوچک و تاریخی کلیر نیست این یک حمام ملی است و در سطح ملی باید مطری شود سیاستی که می خواهد این حمام را اثاقی کوچک در شهری کوچک و دورافتاده معرفی کند و به زعم خود آن رادر آنجا خنده کند سیاستی غلط و مغرضانه است، شرکت گستردۀ مردم در این جشن تولد شناگر احترامی است که مردم به راه و روش یاپک قاتل هستند، بر صدا و سیما است به خاطر احترام به مردم یاپک را پیشتر بشناساند. اعتباری جهت تهیه فیلم و سریال از یاپک و حمامه تاریخی وی در اختیار هنرمندان ملی قرار دهد و علاوه بر پوشش خبری و گزارش این جشن تولد، امداده تهیه گزارش و خبر از مراسمی این چنین را داشته باشد. بی توجهی به این امر و عدم پوشش خبری مناسب در این رابطه تداعی کر بی اعتنایی مسئولین صدا و سیما به این حرکت مقدس

۴- شمار سختی که بر کارکنان و مسئولین راه و روابطی محور تبریز - کلیر و مسئولین شهرستان کلیر در این رابطه وارد امد قابل توجه بود و همکاری خستگی تاذییری این عزیزان در خدمت رسانی به این حمام ملی سیار چشمگیر بود.

اما در ورودی کلیر بازرسی بارهای شرکت کنندگان حالتی ویژه داشت. آن بازرسی چه معنایی داشت؟ گرفتن آلات هنری هنرمندان و بازداشت آن آلات چه معنیومی داشت؟ سیاست گذاران چنین اقدامی چگونه نمی‌شیدهند و چه فکری در سردارند؟ آیا به غیر از این است که در سواست ایران هم اکنون در نشانم جشن هاو مراسمی که بر گذار می شود حتی در مراسم و جشن هایی که از طرف ارگان هاو بهزادهای دولتی چه جناح راست و چه جناح چپ نجام می گرد از همان آلات هنری که در

هویت یابی از دربار یا یاجان است.  
۵- عده زیادی از کاندیداهای نایاندگی در مجلس ششم شعارهای ملی آذربایجان رادر تبلیغات خود به کار می بردند و تنی چند از آنان نیز اکنون از طرف مردم انتخاب شدند. یجا بود که این عزیزان صداقت خود در طرح این گونه شعارها را با شرکت در این مراسم و یاری رساندن به اجرای هر چه باشکوه این مراسم نشان می دادند و این شبیه را که گفته می شود که بعضی از مطرح گندهای شعارهای ملی صراف انجیزه های انتخاباتی داشته اند و نه انگیزه خدمت به آذربایجان را بر طرف می کردند. کمک رسانی جهت برگزاری این گونه مراسم خود نشانگر صداقت در گفته را نشان می دهد. بهتر بود مستولین طراز اول استان حاصل به صورت بیانیه و اعلامیه نیز شده بود در برگزاری این مراسم اعلام حمایت و توجه می کردند.

10

از نشریه شمس تبریز شماره ۵



۱- اکثر مردمی که روز دهم تیرماه در قلعه ایاپیک جمع شدند کوهنورد نبودند. شاید به عجزات بتوان گفت که قریب به اتفاق شرکت کنندگان بر مسام برای اولین بار این سیر سخت و سختی هزینه مسافت خانوادگی به قلعه بابک را تقبل کردند و در این گونه نگرش است که درک انگیزه اصلی ملت اذربایجان برای شرکت در مراسم جشن تولد بابک ارزش مناسعی پیدا می‌کند. چرا که به قلم رفتن با هزینه شخصی با آن راه ساخت و طاقت فرسان فرق دارد با اتوبوس و یا قطار و آن هم با بليط رايگان همراه با امکانات فوق العاده رفاهی و تشویقی و گذاشته اضافه کار به فلان مراسم رسمي رفتن. تازه آن هم با هزینه بیت السال. عواملی که این انگیزه رادر مردم ایجاد کرده است تا در قلعه بابک گردهم آیند و سالگرد تولد بابک را گرامی بدارند سپار قابل تأمل است.

با تمام ازدحام جمعیتی که به وجود آمد بود در اثر روحیه هسکاری و گذشتی که مردم از خود نسبت به همیگر نشان می‌دادند نظم

در مانندگی ولایت فقیه در پر ابر آرای ملت...

نامه از صفحه ۸

## تامالی کوتاه بر پیوند علم و سیاست

۱۰ صفحه از آدامه

تضاوتی آنچنانی ندارد، از همان متدهای همیشگی بهره گرفته و استدلالات آنها نیز در ارائه پیشنهادات خود، فاقد هرگونه پشتوانه

علمی و تحقیقی است. در حالی که دوران اینگونه بررسی های بازاری و هزار پار تکرار شده و گناه مسائل را به گردن آین و آن انداختن خود را منزه جلوه دادن بسیار آمده است و در این بین نیز و های متعدد خلق های کشورمان باید بیش از پیش با چوئی مستند ڈگرگونی ها و با اتکا به قدرت علم و پژوهش، نیروی خود را صرف نه اشتغال با مسائل فرعی و گذرا، بلکه روشنگری آن زوایای ابهام و تحریف شده تاریخ و فرهنگ و زیبان ملت خویش تزوید و در راه انتلای هویت ملی ملت خود تلاش نمایند. علاوه بر آن، باید این را پذیرفت که تداوم مبارزه سیاسی و دمکراتیک با اتکا به سلاح و متد گذشته امکان ناپذیر گشته است و شرایط زمانی می طلب کد بیش از پیش سلاح علم را در خدمت سیاست گرفت.

در چارچوب آنچه که به طور کلی طرح گردید، بر آن اعتقاد هست که سازمان های سیاسی برای تداوم موثر حیات خویش در عرصه جامعه الامی است که متد خود را در بررسی پدیده های اجتماعی و ارائه نظر نظرات خود تغییر دهنده، و در این رابطه پیشنهادات زیر را دارم:

۱- در سطح تشکیلات و به ویژه سطح

بیزبان زیبادی هم از تعدد مقالات تکراری کاست، هم بخشی از نیزه‌ها را برای پرداخت به نثارهای علمی و تحقیقی مسئله مورد علاقه توسعه آزاد نمود. نکته قابل تأمل دیگر در رابطه با تزهای علمی، نحوه برخورد با اصطلاح معتقدین نسبت به نن است. در دو نشریه منتشره از سوی برخی مردمکن‌های خارج از کشور (ایل‌گون و گنگش) تا نهانی که من دیدم مقالاتی در پاسخ به تزهای عوق آورده شده است. در رابطه با ماضیان سائل مطرح در این دو نشریه، قصد پرداخت ندارم که به قدری سلطحی و شعارگوی نگاشته مددگاراند که به اصطلاح پرداختن به آنان «مفتیش لرستان است»، اما چیزی که در این دو نوشته قابل نثاره است، متبررسی است. آنترکه پرداخت متد مرسوم رایج در بین بسیاری از بزرگانات سیاسی، در میان این بزرگانات نیز دادوم دارد. آنان قبل از همه به جای پرداخت نتقل نسبت به این مسئله، آذنجان وضع گیری نموده‌اند که گویا عامل همه دیدختی خلق‌های کشورمان، سازمان‌های یادیابی و در راس آنان سازمان اکثریت است و بال‌آنکه در اراکه نتھله نظرات خویش که یادآور از تزهای ملی پیشنهادی گروه کار خلق‌ها

پیردازند، امری که در رایطه با تزگروده کار خلق‌ها از زمان تصویب آن در کنگره تا به امروز صورت نگرفته است. به همین جهت پرداخت به واقعیات عملاً موجود و روشن ساختن زوایای هرچه بیشتری از حقایق درست مربوط به ملیت‌های مختلف کشورهایان، یکی از محوری ترین و عاجل‌ترین وظایف نیروهای معتمد سیاسی و دمکرات و یکی از زمینه‌های قطبی شکل‌گیری واقعی جامعه‌ای برابر حقوق به شمار می‌آید.

اما اشکال کار در سازمان‌های سیاسی در تخصصی نبودن مجموعه مسائل و نقش ژوکربایانه آنان در هدایت سیاسی سازمان خود می‌باشد. به همین خاطر است که در چنین سازمان‌هایی همه چیز تابع حوادث جاری و گذشت زمان است و به محض عدم گردیدن و یا حادث گردیدن رویدادی در جامعه، همه قلمها به سوی آن نشانه رفته و ترافیک ایجاد شده در نشیره از پایت تعدد مسائلات، لاجرم سردبیر نشیره را به حذف برخی از آنان و امی دارد، در حالی که می‌توان با تقسیم‌بندی مجموعه مسائل جامعه بین اعضای سازمان سیاسی، حداقل در سطح رهبری، با توجه به درجه توان و علاقمندی هریک از آنان، به

## درهاندگی ولایت فقیه در پر ابر آرای هلت را

### پا فرهان خودکامه نهی توان نجات داد

با همیگر قرار گذاشتند تا به اصطلاح «مبازه با فقر، تعیض و فساد» را به اولویت اصلاحات بدل سازند. آقایان هنوز متوجه نشدند. البته دوست ندارند متوجه بشوند که این گونه قرارهای خودکامه و انحصار طلب، دورانش پسر رسیده و مردم هوشیار ایران، به اینگونه قرارها اعتباری قائل نیستند و اعتمادی به اصحاب اینها ندارند. اکثریت قریب به اتفاق مردم ایران به این دلیل به رئیس جمهور دیگر اصلاح طبلان رای خودکامگی داشتند و ثانیاً آنها برname و مقامات ولایت فقیه داشتند و ثانیاً آنها برname و وعده‌های را در چهت خواستهای مردم مطرح کردند. همین مردم، از مجلس و رئیس جمهور، حداقل انتظارشان آین است که در راستای تحقق خواستهای آنها، با خودکامگی و انحصار طلبی و لیقیه بخورد کنند.

برای بخورد با خودکامگی‌های ولی فقیه و دیگر نهادها و مقامات ولایت فقیه، نهادها پشت‌بانه افکار و آرای عمومی دهها میلیونی مردمی وجود دارد بلکه اهرم‌ها و مفاد و راهکارهای قانونی فراوانی نیز در قانون اساسی وجود دارد.

اتکا بر افکار و آرای عمومی و استفاده از اجتماعات مالامت آمیز مردمی برای پرخورد با خودکامگی ولی فقیه در راه تأمین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی شهروندان و احزاب سیاسی کشور، خود امر قانونی است.

رئیس مجلس قانون املاک به محو استبداد و خودکامگی و موظف به دفاع از حقوق ملت است و قانوناً حق ندارد لایحه مربوط به آزادی مطبوعات را با فرامخنی یا علیه ولی فقیه از دستور کار مجلس خواهد گردید. خارج کردن لایحه مطبوعات از دستور کار مجلس توسط رئیس مجلس، نه تهیه پیمانه کننده و غیراخلاقی است بلکه غیرقانونی نیز است. جامعه ایران و مردم ایران به سیاستهای سازنده و راهکارهای دموکراتیک و پیشبرنده نیازمند است نه به روش‌های تغیر برخیز و مقدارهای خودکامه و مقامات به خاطر تعیت از فرمان همیگر به قرارگیرنده که در انتخابات برادرانه شرکت کردند در عمل و فاده نهادند و یا بخطاب جلوب رهبر به سوی خود، در پرایر مخالفان اصلاحات، به آنچنان آرامش لای پشتی دچار شوند که کانونها و مقامات خودکامه پتوانند با استفاده از این آرامش لای پشتی و تکیه بر قانون اساسی و دیگر قانونی که طی دو دهه علیه آزادی به تصویب رسانده‌اند، ارامش گورستانی خود را، ارام و بی سروصدار در جامعه برقرار گردید، طبیعتاً ملت ایران نیز این قرارداد را فسخ خواهد کرد. این قانون زندگی است و دیر یا زود اجرا می‌شود.

برخوردگاری از آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و مشارکت دموکراتیک در جامعه سیاسی کشور، جزو حقوق مدنی - دموکراتیک خدشه تاپذیر و قانونی شهروندان و احزاب و احاد ملت ایران است.

ریاست جمهوری و مجلس، ملزم به اجرای قانون و موظف به تأمین حقوق حق و قانونی شهرهای شهروندان و ملت ایران هستند.

قانون می‌گوید: «تنتیش عغاید منع است و هیچ کس را نیز توان به صرف داشتن عغاید ای ای مورد تعریض و موافذه قرار داد. اصل بیست و چهارم».

قانون می‌گوید: «اصل، برائت است و هیچکن از نظر قانون مجرم شاخته نمی‌شود، مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت شود. اصل سی و ششم».

قانون می‌گوید: «هر گونه شکنجه برای گرفتن افقار و یا کسب اطلاع منع است، اجراء شخص بد شهادت، افقار یا سوکن مجاز نیست و چنین شهادت و افقار و سوکنی فاقد ارزش و اعتبار است و مخلف از این اصل طبق قانون مجازات می‌شود. اصل سی و هشتم».

قانون می‌گوید: «در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه هد پرسی و مراجعه مستقیم به آرا مردم صورت گیرد. درخواست مراجعت به آرای عمومی باید به تصویب دوسرم مجموع نمایندگان مجلس برسد. اصل پنجم و نهم».

قانون می‌گوید: «هر نماینده در پرایر تمام ملت مستول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهار نظر نماید. اصل هشتم و پنجم».

قانون می‌گوید: «نمایندگان مجلس در مقام ایغای و طایف نمایندگی در اظهار نظر و رای خود کاملاً آزادند و نهی توان آنها را به سبب نظرکاری که در مجلس اظهار کردندان یا آرایی که در مقام ایغای و طایف نمایندگی خود دادند تعقیب یا توقيف کرد».

اینها و سیاست مفاد دیگر، جزو حقوق و تکالیف قانونی مجلس و ریاست جمهوری ادامه در صفحه ۷

او به حقوق ملت ایران است. وظیفه قانونی ریاست جمهوری و مجلس استادگی در پرایر استبداد و محو خودکامگی و انحصار طلبی است.

نے اجرای فرایین خودکامه و لیقیه علیه حقوق ملت ایران. آقای کروی بعنوان رئیس مجلس، و یعنوان یک شهروندان کشور در میان

فرایین خودکامه ولی فقیه باشد. قانون می‌گوید هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی باید توسط دولت محو شود. برای محو استبداد، خودکامگی و انحصار طلبی و لیقیه بخورد کنند.

توسعه سیاسی در کشور ما بدون حرکت و اقدام عملی در جهت محو خودکامگی و انحصار طلبی نهادها و مقامات ولایت فقیه، بدون تأمین تساوی همه در پرایر قانون و ایجاد اینستیتیوں تا باید میلیون شهروندان

مشخص که بطور ناچار و پر تناقض به آزادی مشارکت آزاد، علیه، مالامت آمیز و قانونی شهروندان و احزاب و کنید.

بنخش از حقوق شهروندان و ملت ایران شده اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند که برname مخصوص خود را قانون گرانی همیشید با حقوق و آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی اعلام کردند. ولی فقیه نه تهاین تحقیق این بنخش از حقوق شهروندان و ملت ایران شده

بلکه ذکر خواهد شد، تکالیف ریاست

جمهوری و مجلس ششم در پرایر شهروندان

و ملت ایران شده است که اکثیریت مردم

به اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و مطبوعات پرداخته است جلوگیری کرده است.

ایران، انتظارشان نهادهای ریاست جمهوری و مجلس این است که احراق ملی و حقوق آزادی های شهروندان و ملت را فسخ کند.

برکسی پوشیده نیست که آنچه که تا به امروز

امنت و وحدت و ایمان ایکا برآرام

قانون می‌گوید: «اصل نهم».

#### مجید عبدالرحیم پور

به میثاق ملی، باید برآساس آزادی،

دومگرایی، حقوق بشر، متعاقع ملی و عدالت، ایستادگی مهود بازنگری، اصلاح، تغیر و بازآفرینی قرار گیرد، ولی دارای قوانین و مفاد استبداد و محو خودکامگی و انحصار طلبی است.

دموکراتیک و ترقی فراوانی است که علیه خودکامگی و به نفع آزادی‌های سیاسی و اجتماعی کشور است.

این مفاد قانون اساسی و دیگر مواردی که متعاقعاً ذکر خواهد شد، تکالیف ریاست

جمهوری و مجلس ششم در پرایر شهروندان

و ملت ایران شده است که بخش عده آنها هم ولايت فقیه را

از اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آنها را که در قانون اساسی ملحوظ شده است به اجرای اینستیتیوں

و مطبوعات پرداخته باشد. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آنها را که در قانون اساسی ملحوظ شده است به اجرای اینستیتیوں

و مطبوعات پرداخته باشد. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آنها را که در قانون اساسی ملحوظ شده است به اجرای اینستیتیوں

و مطبوعات پرداخته باشد. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آنها را که در قانون اساسی ملحوظ شده است به اجرای اینستیتیوں

و مطبوعات پرداخته باشد. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آنها را که در قانون اساسی ملحوظ شده است به اجرای اینستیتیوں

و مطبوعات پرداخته باشد. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

آقای سید علی خامندی، ولی فقیه و رهبر

جمهوری اسلامی ایران، طی نامه‌ای خطاب به آقای کروی رئیس مجلس نوشت: «جناب

حاجت‌الاسلام آقای کروی ریاست محترم مجلس شورای اسلامی و حضرات نمایندگان

محترم؛

بس‌دان و تجیات مطبوعات سازنده، افکار عمومی و

استدلال و انقلاب و نظام اسلامی مطبوعات را در دست بگیرند و یا در آن نفوذ کنند خطر بزرگ

امنت، وحدت و ایمان ملی، دادگاه شفیعی و مطبوعات خود را ایجاد کنند. اینستیتیوں که به نمایندگان رای دادند

و ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران به مجلس ششم در پرایر فرودگی

ولايت فقیه است. خامندی به بخش عده آنها هم ولايت فقیه را

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.

ایران و توان ایجاد آزادی‌های سیاسی و اجتماعی و توسعه سیاسی ایجاد شد.



# تائملی کوٹاہ بر پیونڈ علم و سیاست

احمد مرادی

تحقیقاتی در میان بخش اعظام فعالین سیاسی، میزان داشت و اطلاع آنان در رابطه با واقعیات مشخص جامعه ما بسیار کلی، ناهمگون، متضاد و در موارد بسیاری دچار انحراف می‌باشد. در واقع در میان کادرهای پرجسته و پرسایقه جریانات سیاسی کترکسی را می‌توان یافت که در این یا آن خصوص مطالعات علمی و همه جانبی کرده و به اصطلاح صاحب‌نظر باشد، بالعکس همه آنان خود را در هر زمینه از سیاست و ورزش و هنر گرفته تا تاریخ و فلسفه و فیزیک و شیمی صاحب‌نظر می‌دانند، بی‌جهت تیست که پروفسوری گفته «دانش ایرانیان در مقیاس اقیانوسی است به ارتفاع یک سانت»، در چارچوب چنین فضائی است که این یا آن حزب و سازمان سیاسی شکلی کنگره داده و به زعم خویش برای یک جامعه طرح برنامه ارائه می‌دد، که در این بین «تزمیت‌های پیشنهادی گروه کار خلق‌های سازمان اکثریت پیرامون مسئله ملی در ایران» برای کنگره ششم تمنه برjestه آن است، این تزمیت که بعد در کنگره با اندک تغییر جزئی مورد تصویب قرار گرفت، از دو جنبه قابل توجه و بررسی می‌باشد، یکی از جنبه‌های کنگره ارائه این طرح و دیگر از زاویده نحوه مفعولگی عهدهای مخالفان.

در ایام مشارکت در تدوین این طرح آنچه که برای من عمدۀ بود، تصور درک واحد و روش از سیمای واقعًا موجود جامعه در سطح زمان و فرادر از آن در سگتره جامعه روشنگری بود. اساسات این طرح تکرار همان ایده‌های است که از دو قرن پیش تا به حال در سطح جوامع مختلف، متنبی به اشکال گوناگون ازانه گردیده و می‌گرددند، دیگر آنکه طرح مبزبور بر داده‌های آماری و تحقیقی استوار نبوده و بر آن اساس ظاهری شعارگونه و کلیشه‌ای و مضمونی دمکراتیک به خود گرفته است. در حالی که در ازانه هرگونه طرح و ایده‌ای در نظرداشت دو نکته بسیار حائز اهمیت است: یکی درجه روش بودن عینیتی که در غایت به طور جمع‌بندی شده در قالب این یا آن ایده و نظر طرح می‌گردد و دیگر استدلالات علمی ناظر بر مبانی علل طرح بنده‌های مختلف ایده مذکور. مصاوبه‌های بعدی مندرج در نشریه کار با برخی از اعضا شورای مرکزی سازمان اکثریت پیرامون طرح فوق و همیطون نوشتگات و موضوع‌گیری‌های برخی از شخصیت‌های اجتماعی و سیاسی در رابطه با مسئله ملیت‌ها در ایران، حاکی از آن می‌باشد که بخش اعظم روشنگران جامعه ما هشوز در رابطه با بنیادی‌ترین واقعیات جامعه و به ویژه موقعیت و جایگاه خلق‌های مختلف کشورمان در تاریخ ایسن سرزمین دچار مشکل و اختلال نظر جدی می‌باشد. علاوه بر آن، طرح مذکور فاقد تحقیق علمی در رابطه با مسائل امروز ملیت‌های کشورمان می‌باشد، و اساساً مشخص نیست که بر بستر کدام آمارها و تحقیقات اوردن چنین بنده‌های در طرح مذکور ایجاد گردیده است.

خود جذب و آنان را قانع نمود. متأسفانه با اینکه امروز خط مشی و سیاست بسیار از جریانات سیاسی و دمکرات تغییر یافته، اما متدھای دسترسی به این سیاست‌ها و ارائه آن در سطح جامعه همچنان بر همان اسالیب کهنه متکی می‌باشد.

هنگامی که از علم و دست آوردهای علمی در عرصه دانش اجتماعی سخن می‌رود، بسیاری صرفاً جنبه پیشرفته‌های علم امروز را در رابطه با امکانات ارتباطات اجتماعی و اینترنت و غیره عمدۀ ساخته و از کاربست علم و دستاوردهای علمی در عرصه سیاست و دستیابی به نظرات و ایده‌های نوین به دور می‌باشد. این گونه نگرش همانطور که فوقاً اشاره گردید، هنوز در بین روشنگران جامعه ما به یک فرهنگ تبدیل نشده است و درج مقالات بسیار سطحی و شعارگونه در نشریات (به ویژه خارج از کشوری) حاکی از آن است که تلاش روشنگران ما برای کسب حقایق نوین بر پست ادراکات تحول پذیر از دنیای عمیقاً سپری‌زای معاصر تها در مسیری تکبعدی رشد یافته است.

روشنگران سیاسی امروز آموخته است که تنها داده‌های دیگران را اساس موضع گیری‌ها باشند و خود بدان رغبتی ندارد و یا نیاموخته است که مستقلابه کاوش علمی مسائل بپردازد، زیرا که زحمت دارد. تداوم این فرهنگ و استناد به تحقیقات و فاکت‌های دیگران، در برآیند خود موجب شکل‌گیری دیدگاه‌هایی گردیده است که فاقد بستواند علمی می‌باشد و جای تاسف آنکه این دیدگاه‌ها انجاک در شکل طرح و یا بر نامه ارائه

بر این اساس، اعتقاد دارم که تا زمانی که در سطح سازمانی و به ویژه در سطح رهبری آن تفکری وجود دارد که عمل مخالف «تعدد زبان آموزشی و اداری» بوده و پذیرش یک زبان کاراکتر و مشترک (فارسی) را به دیگر خلق‌ها توصیه می‌نماید (علوم نیست بر اساس کدام تحقیقات)، و هنوز این اعتقاد که در ایران غیر از زبان فارسی، مابقی زبان‌ها لهجه‌هایی بیش نیستند و آذری‌ها ایرانیان دوزبانه دانسته و از زبان‌های ملی تنها به شرط تقویت زبان فارسی حمایت می‌کنند (نظرات چنگیز پهلوان، نجف در پایانی، مسکوب و دیگران) و یاد رابطه با تاریخ گذشته ایران، دامنه تحریفات و گرابیات شوونیستی هنوز نبیرونمند است. ارانه چنین طرح‌های ذهنی، بلندپروازانه و در یک کلام، زودرس به نظر می‌رسد. به بیانی دگر، اینکه ایده‌ها و طرح‌ها لاجرم می‌باشد در چارچوب قوانین و سطح تکامل جوامع ارائه گردند، بعده نیست. ولی اگر جامعه‌ای هنوز ظرفیت پذیرش اینگونه ایده‌ها و طرح‌ها را نداشته باشد، باید که حاملین ایده‌ها با کاربست شوه‌های مختلف، به توضیح و تفسیر اساسات و نکات برچسته و مبهم آن که به صراتب پرزمخت‌تر از خود ارائه طرح‌ها می‌باشد، ادامه در صفحه ۷

می‌گردد، فاقد توضیح علی و آماری در رابطه با عالی آن می‌باشد. بر این اساس است که احساسات، ذهنی گرایی و رسوخ تحریفات جانبدارانه تاریخی در اذهان که در پرسه موجب شکل‌گیری دیدگاهی معین می‌گردد، در مجموع در همگونی نظرات در بین افراد این یا آن جریان سیاسی نسبت به این یا آن مسئله مانع به وجود می‌آورد.

ایده‌ها و طرح‌ها از واقعیات مادی اطراف ما برخاسته و به همراه تجربه و دانش در شکل یک نظر و اندیشه ارائه می‌گردد. اما در درک از این واقعیات مادی مجموعه موضع‌گیری‌ها نشان داده است که برداشت‌های کاملاً متفاوت و حتی متضادی وجود دارند. آنچه که در این رابطه قابل توجه می‌باشد آنکه، سیاری از این برداشت‌ها سمت‌گیری جانبدارانه و مغرضاندی داشته و عینیات و واقعیات تحریف شده را با سیمایی ظاهرًا علمی ارائه می‌دهند. روشنفکر سیاسی که عادت به تحقیق و کاوش مستقل پدیده‌ها نکرده و همواره بر متاد استناد به کارکردهای دیگران متکی بوده است، لاجرم تحت تاثیر این داده‌های انحرافی قرار گرفته و آن را به تدریج نخست در میان تشکل خود و بعد در مقیاس جامعه رواج می‌دهد. از این رو به واسطه فقدان سمت‌گیری معین و مطالعاتی و

در میان ملل و فرهنگ هایی که پژوهش گری  
دانش تاریخی هنوز پایه و مایه استواری  
بافت و تاریخ و تحولات گذشته در محک  
محبت و نادرستی تحلیلها و بررسی های عینی  
رار نگرفته اند، قلم بهستان و سیاست گزاران  
تعهد بر پایه زنگی تجارب نسل های پیشین  
درباره ازمانی دانسته های رایج و آگاهی های  
وجود، می باشد که تقاضیری نفز و بدیع از  
ویدادها و مقامی و به همانگونه بنیان های  
اظاهر بر طرح ها اراده داده و به دست بیازی به  
شوانده های تازه و روشنگی حوزه های  
اریک و ابهامات و دگرگون کردن برداشت های  
وجود پیر دارند.

در حالی که راستای اپاشت دانش و تجارب  
اریخی به همراه وزیریگی های فکری و نظری  
می باشد ارزیابی ها و جدل های علمی را  
ربارتر و ژرف آندیشانه نماید، اما متسافانه  
بستانی اندیشه ها و بر آن اساس ارائه ایده های  
زین به علم و با سیمای به اصطلاح نوین به  
حصول برخوردها بدل گشته و سنتزه جوئی ها و  
چیزی انگاری ها و پرداخت به فرعیات، در موارد  
سیاری جایگزین انتقادهای پژوهش گرانه از  
رشتمعا و قدر شناختن آنان گردیده است.

اعقب این است که در عصر نهضت علم و

روزگاری میان سه نسل ایرانی ممکن است که زووهش گرگی بینان نوع نگرش پسریت را در سام عرصه های زندگی عبارت می سازد، این سی توان با وجود انکار سرآمدان و رکاب زنان پنهان کار دستگاه بوروکراتیک گذشته و تکرار نظرات در گستره روشنگران جامعه ما و به بیزه جریانات سیاسی کشور هنوز در دوران طفلمهای خود به سر می برد و دیدگاهها هنوز در سرخ خود حامل خوبی و عادات کهن و تقليدي درده و کمر از پشتازه عنصر تحقیق و علم خوردار می باشند. از این روست که ايندگاه به ملت فقدان استدللات علمي ناظر بر آثار هر آن غیر یافته و هیچگاه ثبات ندارند.

نمونه شاخص این مساع را می توان به بشنوی در قالب تقریباً اکثر جریانات و نمازگاه های سیاسی کشور مشاهده نمود. طرح تناقضات ارائه شده از سوی این جریانات چچگاه بر اساس تصویری اماراتی و تحقيقي را می توان در موضع البته باید ارائه موضع گیری های یا بیشتر تابع تحولات متعاقبی و گذرا بیان نمود. از ارائه دیدگاه های نظری که تحت داشت های ذهنی بوده و یا بر پایه داده ها و نکت های غیر معتبر صورت گرفته است. در بیان من موضع البته باید ارائه موضع گیری های یا بیشتر تابع تحولات متعاقبی و گذرا بیان نمود. از ارائه دیدگاه های نظری که تحت نامه و یا تز طرح می گردند جدا نمود. اما هنگ حاکم امروز بر عنصر سیاسی همه مردم را مخدوش نموده و عملی طرح برنامه ها و یادی ترین ایندگاه با همان سلاح و متد نوشتن که علامه سیاسی صورت می بندی. این امر

ر فرهنگ ببارزه سیاسی امروز جامعه باشد که اصل تبدیل شده است و گستره این شیوه پنهانه را می‌توان هم در قالب نوشتجات و پوشش گیری‌های جریانات سیاسی چپ و راست هم تهدادهای دمکراتیک و حتی ملی مشاهده بود.

فقدان سلاح علم در نزد یک عنصر سیاسی ر تناول خود به ازدواج ختم می‌گردد. این امر از دیدی استدللات و ارائه نظرات او را کاسته و در تترین حالت او را مضحكه و بازیچه نمایشات در درتنهای سیاستمداران عوام فربیض می‌نماید. از این رو عنصر آگاه و ممکرات اندیش بایست که از دیدگاهی سوزن شگرانه به سنجش نکته‌ها و استدلال‌ها را داشته و با پی‌جوئی مستند دگرگونی‌ها و پیداوارهای گوناگون تاریخی ملت و روزگار ویش، روشن گز زوابای ابهام پدیده‌ها و اژدهائی باشد که تا دیروز تصاویر حرف‌شده و یک‌بعدی از آنان ارائه شوند.

شکی نیست که در بیان طرح هر ایده‌ای عنصر اقتیاد مقام اصلی را داراست ولی گاما عکاسان این واقعیات آنچنان مورد تحریف و یا کاری قرار می‌گیرند که ایده‌های متکن بر ان اعتبار عملی و علمی خود را از دست

# در حاشیه نامه خامنه‌ای به مجلس و توقف طرح قانون مطبوعات چه درس‌های باید آموخت

حسین جواہری

در شماره قیلی نشریه کار مقاله ارسالی آقای حسین جواهری درج شد. اما بعداً مشخص شد که چند صفحه از مطلب به دلیل نقص فنی بد نشریه نرسیده است. به درخواست نویسنده، هنن کامل مقاله ایشان در این شماره نشریه درج می‌گردد.

متوقف کردن روند اصلاحات سیاسی و کنترل آن، چند ماهی است که به سیاست اصلی محافظه کاران و خامنه‌ای بدل شده است. بستن تقریباً تمام روزنامه‌های روزگار اصلاحات و جبیش دوم خداداد، دستگیری شمار زیادی از روزنامه‌نگاران و تحت فشار قراردادن مجلس و انتقادات گستردۀ از عدم کارآیی اقتصادی دولت خاتمی، بحران سازی و گسترش آن در عرصه ملی، همه نشان می‌دهند که آنان می‌خواهند به طور قاطع روند اصلاحات سیاسی را متوقف کنند. نامه‌ی سابقه و غیرقابل انتظار خامنه‌ای به مجلس و جلوگیری از طرح قانون مطبوعات، مقابله آشکار و علني و خشن با اکثریت نایبندگان مجلس و اکثریت افکار عمومی، هزینه بالای سیاسی برای خامنه‌ای خواهد داشت.

در حیات ۲۱ ساله جمهوری اسلامی، خینی و خانم‌های کوشیده بودند که فراجنایحی حرکت نهاینده و از اتصال مستقیم و علی‌بند جناح‌ها خودداری نمودند. در مورد مردم تمام تلاش‌شان به عدم مقابله آشکار با افکار عمومی بود و حتی المتقىور بسیار موارد مقاصد و اهدافشان را از طریق افراد ارگان‌های دیگر پیش می‌برند. حرکت اخیر خانم‌های خارج از پرسی قانونی و یا غیر قانونی بودن آن، رسک بزرگی است. اگر چه مانع عنده‌ای در مقابل جنبش اصلاحات موجود آورد و به ظاهر شکستی رانصیب اصلاح‌طلبان نمود اما برای خانم‌های و دستگاه ولایت فقهی پیروزی محسوب نمی‌شود.

وحدث ضربه خوردن اکتون هم نشانه های از همان ضعف گذشته، اما این بار دنباله روي و برخی موارد حرف شنوي نادرست از اصلاح طلبان حکومتی، دفتر راز و ظایف و مستوی لیش دور کرده است. سیاست «گل و لبخند» ایکه که در سال روز ۱۸ تیر واقعه کوی دانشگاه توسط این دفتر اتخاذ شده یک سیاست راست روانه و نادرستی بود. ایکاش می شد با سیاست شاعرانه گل و لبخند بر ناهمجاري ها و مشکلات فائق آمد اما واقعیات چهره دیگری دارند. نباید سیاست درست مخالف بودند و طی ۳ سال گذشته از تمامی افراد ها برای به شکست کشاندن جنبش اصلاح طلبی استفاده نمودند از خوشحالی در پرسنل نمی گنجند که سرانجام خامنه‌ای رابه مقابله آشکار با جنبش اصلاحات کشانندند.

آقای خامنه‌ای باید بداند لقمه‌ای را که برداشتند بزرگتر از دهانش است و ادامه چنین سیاست هایی ضمن آنکه دشواری هایی را برای مردم و جنبش اصلاح طلبی ایجاد می کند اما برای وی از جزار و نفرت عمومی را به ارمنان

جلوگیری از افراط و تندروی به سمت بی‌عملی سوق داده شود. چه خوب بود سیاست‌گل و لبخند در بیرون دانشگاه با سیاست تظاهرات و اعتراضات گسترده در داخل محیط‌های آموزشی همراه می‌شد.

در مورد نامه آقای خامنه‌ای، جنبش دانشجویی باید خط قرمز عدم برخورد با سیاست‌ها و مواضع ولایت فقیه را در نورده و زمینه را در سطح جامعه برای بحث و بررسی و تقد عملکرد رهبریج - ابه طور علی و آشکار فراهم نماید. باید همانطوری که تمام نهاد و ارگان‌های حکومتی مورد تجزیه و تحلیل قرارگیری گیرند دستگاه رهبری هم از این قاعده مستثنی نشود.

دستان در جهیه مشارکت به خوبی می‌دانند که بار مسئولیت اصلی هدایت جنبش صلاح‌طلبی حداقل در این مرحله بر دوش انان است. ضمن آنکه تلاشان برای جلوگیری از پیشبرد بی‌سر و صدای نامه خامنه‌ای و مطرح کردن اعتراض در صحن علی مجلس و افکار عمومی، دستان رهبر و رفیقان نیمه راه نظری کروپی و مجید انصاری را روکرد و باعث رشد فکار عمومی گردید قابل تقدیر است. اما این دستان باید از این شکست بی‌اموزنند که سیاست «جانوزنی، در بالا و فشار از پاس» در

مدتی است حرکت اعتراضی و پیج مردم برای آزادی دانشجویان مظلوم زندانی و همیطنور دیگر مبارزان راه آزادی نظری گنجی، نوری، یاقی، سحابی، شمس الواقعین، نبوی، قوچانی، اشکوری، صفری، بهنود و... متوقف شده و به سکوت برگزار می‌شود. اقدام برای تثید تمارهای مردمی در سراسر ایران برای زنده نگهداشتن زندانیان سیاسی بسیار مهم است. باید رژیم را برای آزادی بدون قید و شرط آنان تحت فشار قرارداد. باید با اصلاح و تدوین قوانین، جدی حرکات ظالمانه محافظه کاران را گرفت.

صورتی که تلاش برای مشارکت مردم را نادیده گیگرد عمل انتها چاندنی در بالا منتهی خواهد شد و از دست دادن و یا کم بهادران پشتونه مردمی، توانزن قوارا به سمت محافظه کاران پرهم خواهد زد و شکستهای پیشتری را نصیب جنیش اصلاحات می‌نماید.

اصلاحات آزمون و خطای روزمره است و یک اصلاح طلب باید بکشد از هر خطأ و یا شکست از هر پیشوی و یا عقب‌نشینی حداکثر روسرا بیاموزد تا حرکت بعدی سنجیده تر صورت گیرد. متوقف شدن طرح قانون مطبوعات نشان داد که دولت مشارکتی نه

ملکه تدارک‌گران برای این حرمت شتاب زده بوده است. محدود کردن طرح قانون مطبوعات در چارچوب کمیسیون فرهنگی مجلس و عدم شارکت شکلی و مضمونی روزنامه‌نگاران، حقوق دان‌ها، دانشجویان و دیگر افسران مردمی

## باز در هیئت‌نم آن تاپستان گرم و خوین فراهم رسد

ادame از صفحه ۴

بخشی از رمان جدید خود را که به زبان هلندی نوشته شده است برای حاضرین خواند. پخش خوانده شده مربوط به خاطرات نویسنده در ۱۷ سالگی است که به زندان شاه افتاده بود و موضوع احسانات جنسی از این مسخر کرد. چون یک نیوجان دوران بلوغ خود را در زندان بسر می‌آورد، در آن اهمیت فراوانی پیدا می‌کند.

آخرین سخنران برنامه آقای پیهزاد کریمی بود که متن سخنرانی اش در همین شماره آمده است. پایان بخش برنامه‌ها اجرای نمایش زندگی، آه زندگی نوشتۀ آقای منوچهر رادین بود. نمایش مذکور، واقعه اعدام سعید سلطانپور را بد فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۶۷ پیوند می‌دهد و در آن از شعرهای سلطانپور و آقای رادین توانمند شده است. نمایش با این شعر را که توسعه خانم شهزاد نیکیان خوانده می‌شد، آغاز گشت: «شخم بهاره ما / امسال / نه با خیش بود / نه با دست / شخم بهاره ما / امسال با سرتیزه بود» و اندکی بعد به این شعر نویسنده پیوند داده شد: «باران ماه تیر / تیرباران». ■

طرح تعدیل اقتصادی موجب بیکاری‌های دسته‌جمعی و وسیعی در دهد هفتاد شد. هر چند که این قانون زندانی‌ها با مقاومت و اعتراضات شدید کارگران مواجه شد. از جمله اعتراض به پیشنهاداتی در شهریور ۷۷، مبنی بر معافیت کارگاه‌های کمتر از ده فرماز شمول قانون کار. اما این سیاست به اشکال دیگر ادامه یافت. هر چراکه برای حیات و جذب سرمایه گذاری در بخش صنعت و تولید توسط سرمایه‌های داخلی و خارجی نیاز به قانون زدایی و تصویب قوانینی جدید بود تا صاحبان سرمایه اطمینان داشته باشند که می‌توانند آزادانه و بدون مزاحمت مطابق میلشان او از خود کارگران اداره کنند. پس با پیش‌نیوتنی قوانین حیاتی از حقوق کارگران هر چه پیش‌نیوتنی باید و در صورت امکان به طور کامل زدوده شود. یکی دیگر از کارگران چنین می‌گوید: «وگذاری شرکت‌ها به نهادها و بخش خصوصی از جانب دولت سیاست نادرستی است الان شرکت را بد... داده اند که مابه انتراض داریم. کارگران با تخصص بالا در این واحد کمترین حقوق را یعنی ۵ هزار تومان می‌گیرند؛ به علت سوء مدیریت. چون در شرکت‌های مجاور مابین چین نیست. مدیریتی نالایق ۵ الی ۶ میلیارد تومان در عرض یک سال حق کارگر را خورده‌اند. نیروی کار در دست کارگر است. ما می‌خواهیم مدیریت به کارگران واگذار شود مثل ژاپن. مثلاً یکی از سیاست‌های جدید، استخدام پیمانی کارگر است. برای بردگردان و استثمار بلاشک، یعنی استثمار جدید. هیچ مزایایی به آن‌ها تعلق نمی‌گیرد در زمانی که کارگران در خیابان‌ها پیکارند، این شکل استخدام را می‌دانند. کارگرهاست... و دیگری با تائید صحبت‌هایش می‌گوید: «درست است. الان در لینیات پاستوریزه - نصف کارگران، پیمانی و میقت شست. حد کارگر موقت که هیچ چیز به آنها تعلق نمی‌گیرد. این اشکال استخدام باید منع شود». ■

برگرفته است. بر همه فعلیان سیاسی مسئول، واجب و ضروری است که کماکان در جهت تقویت جیوه اصلاحات گام بردارند ضمن روشن کردن تزلزل‌های برخی میان اختلافات راکاهش دهنده می‌رسانند. یکی از اصلاحات را از جیوه اصلاحات و این میان تسلیم کارگران و چلوگیری از اقدامات تحریبی آنان وجود ندارد. به همین روال باید کوشش نمود راههای ورود نیروهای پیشتری را به داخل جبهه اصلاحات هموار نمود. آقای خانه‌ای طی چند سال گذشته در اکثر موارد به طور غیرمستقیم در مقابل اصلاحات حرکت نموده و ارگان‌های انتسابی ایشان نظری شواری نگهبان، مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیماج... از دادگاه و پژوه روحانیت، قوه قضائیه... به طور مستقیم بیشترین حملات و دشواری‌ها را برای مردم نموده‌اند و نامه اخیر وی نیز اوضاع ضدیت با روند اصلاحات بود.

با همه این تقاضای اصلاح طلبان باید موضع سیاسی آقای خانه‌ای را صد در صد در جبهه محافظه کاران تلقی نمایند، بلکه از رشته‌های باریک بداجامانده در جهت کشاندن وی به سوی جبهه اصلاحات و پایه‌دانل دوچار نمودند از مخالفه کاران تلاش نمایند. ■

جمع شده بودند تا نشان از لحظه شوم کشtar، قیلیدای در زیر، جنایات سال ۶۷، سنگین‌ترین کوچکی در اوین بود که مسجدوهای این را با سخنران بعدی خانم ف. آزاد بود که خود از سال ۶۴ مدت ۷ سال را در سیاچالهای اسلامی اسلامی پسر برده است و از نزدیک شفعتی یا نماز می‌خواست زیرا زیر را می‌گردید. اسلامی را بقول داری، ایا مجاهدین را قبول داری، حاضری به جیوه ایشان در دوست تبریخاً بزرگی خود گفتند: «در زندانهای جمهوری اسلامی، زندانیان به زن دسته تقسیم می‌گردند. «محاربین با خدا»، مجازات همیکی اینها اعدام بود و «مرتدین» که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محاربین با خدا»، که مژده‌نشان را می‌کشند و زنانشان را به شلاق پیاسخ داد. «به خدا توبه کردام اما نمی‌توانم شوهرم را بکشم». در طول سخنرانی خانم آزاد می‌بینند تا از کار خود اظهار پیشیمانی کنند. شعار «جمهوری اسلامی نه یک سخنران بعدی آقای نماز خواه شوهر را با گلوله اعدام کنند، گفت: «می‌گردید: «محارب

	<b>فرم درخواست اشتراک</b> اشتراک جدید <input type="checkbox"/> تمدید اشتراک <input type="checkbox"/> شماره اشتراک: عدالت اشتراک: نشی ماهه <input type="checkbox"/> یک ساله <input type="checkbox"/> تاریخ: <b>Name:</b> ..... قام: ..... <b>Address:</b> ..... نشانی: .....
 فرم را همراه با پیهای اشتراک (حواله یانکی یا تمبر) به آدرس <b>بست کنید!</b>	

شماره فاکس: 0049 - 221 - 331 82 90  
شماره تلفن: 0049 - 221 - 9322136  
آدرس کار در اینترنت: <http://www.fadai.org>  
آدرس پست الکترونیکی: fadai.aksariyat@magnet.at

چهارشنبه ۱۶ شهریور ۱۳۷۹ - ۶ سپتامبر ۲۰۰۰ دوره سوم - شماره ۲۴۰

KAR. No. 240 Wednesday 6. Sep. 2000

G 21170 1

کار» از گان مركزي سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

دو هشتم یک پار روزهای چهارشنبه منتشر می شود

## در بازار نفت چه خبر است؟

محمد رضا قنبری

مطلوب اوپک تثبیت کند، شایانی همین مقدار مصوب نیز در عمل اجرا نشد. برخلاف سال‌های پیش بیل کشورهای اوپک به صورت غیررسمی و غیررسمی مجاز دست به تولید اضافه بر سهمیه خود زدند، این بار حتی عربستان ۵۰ هزار بشکه اضافی مصوب خود را روانه بازار نکرده است. گرچه در این زمانه نوعی آبهام وجود نداشت. اما اکثر ناظران نقشی معتقدند که عربستان اراده ایجاد ناامنی را داشت تا بازار تزریق ۲۵ هزار بشکه اضافی به بازار کنکرد. عده‌ای معتقدند که عربستان به این دلیل از مسالماتی اضافه تولید مصوب خود استفاده نکرده است تا اتحاد درونی اوپک پایدار بماند. چرا که اضافه تولید باعث بالارفتن پایه سهمیه‌ای بین کشور شده و لذا سایر کشورهای عضو اوپک مایل به بهم خوردن پایه سهمیه‌بندی نیستند. اما به نظر می‌رسد سیاست نقشی عجیب عربستان، نه به اتحاد درونی اوپک، بلکه بیشتر به انتخابات آمریکا ریاست جمهوری آمریکا روبروی باشد. افزایش قیمت نفت به افزایش نورم در آمریکا کمک کرده است و این می‌تواند نکته‌ای منفی در کارنامه سیاسی امکانات‌ها باشد. بنابراین بالامناند قیمت نفت را شرایط پیش از انتخابات آمریکا به نفع جمهوری خواهان است. ولئن بعد نیست اگر عربستان تمایل بیشتری به حسنهای خواهان اشتهد باشد. از جانب دیگر، سیاست عربستان به لور سنتی نه تنها منافع خاص این کشور، بلکه نفاع اقتصاد جهانی را نیز مدنظر دارد.

از حدی است که او پک انتظار داشته، شاید  
عوامل دیگری خارج از تصمیمات کشورهای  
صادر کننده نیز در این موضوع دخالت دارند.  
سالهایی متاخر پایین بودن قیمت نفت باعث  
شد که اولاً بسیاری از میادین نفتی که استخراج  
از آنها گران تسام می شود و لذا در شرایط  
پایین بودن قیمت نفت، بهره‌برداری از آنها  
مقرنون به صرفه نیست، بسته بمانند. شاید  
کشورهای اوپک نخواستند یا نتوانستند در  
حنازع نفت خود سرمایه‌گذاری کنند لذا  
سیاری از کشورهای عضو اوپک اصولاً قادر  
نیستند بیش از حد فعلی تولید کنند. در واقع تنها  
سه کشور عربستان، امارات متحده و کویت  
هستند که هنوز ظرفیت تولیدی شان اشباع نشده  
است. بقیه کشورهای اوپک از جمله ایران،  
ظرفیت تولیدی اضافی ندارند. در چنین  
شرایطی، تصمیم اوپک برای ثابت نگهداشت  
نقتف تولید و یا افزایش ناچیز در آن، نه تنها  
بک تصمیم سیاسی - اقتصادی بلکه یک اجراء  
نهی نیز می‌باشد.

آنچه در بالا تحت عنوان افزایش محدود در  
عرضه نفت مطرح گردید به این صورت بود که  
وپک (در واقع عربستان) تصمیم گرفت برای  
همهار قیمت نفت و تثیت آن در حد دلخواه  
وپک یعنی ۲۵ دلار برای هر بشکه، به افزایش  
محدوده تولید و صدور بپردازد. عربستان  
تصمیم گرفت روزانه ۵۰۰ هزار بشکه اضافی  
صادر نماید. مقدار افزایش تولید مصوب  
وپک اولاً آنقدرها نبود که قیمت را در حد

قیمت فعلی نفت به قرار بشکه‌ای بالای ۴۰ دلار نسبت به ۱۸ ماه قبل سه برابر شده است. این امر اقتصاد جهان را خیره کرده است با این وجود برخی مؤسسات تحقیقاتی حتی از قیمت ۵۰ دلار برابر هر بشکه نفت سخن می‌گویند. راستی، موضوع از چه قرار است؟ تقریباً همه در این نکته همدستان هستند که علت بالا رفتن قیمت نفت، کافی نبودن عرضه در مقابل تقاضاست. دو عامل خاص باعث افزایش تقاضا در حال حاضر است: یکی رونق مجدد اقتصادی در آسیای جنوب شرقی و دیگری نیاز کشورهای صنعتی مخصوصاً آمریکا به پرکردن ذخایر نفتی خود تا ماه اکتبر چهت تأثیر انرژی برای زمستانی که در پیش است. آمار موجود نشان می‌دهد که مخازن نفتی آمریکا، نسبت به میزان معقول در این فصل، در سطح بسیار پائینی قرار دارد. این امر به نوعی فشار روانی در بازار نفت انجامیده است.

علت پائینی بودن عرضه نفت در درجه اول تصمیمات و وضعیت کشورهای عضو اوپک است. حدود یک سال و نیم پیش در یک اقدام کم سابقه که ناشی از اتحاد عمل بین دو کشور اصلی اوپک یعنی عربستان و ایران بود، اوپک با کاهش عرضه نفت، قیمت را افزایش داد. گرچه کشورهای اوپک و نیز کشورهای خارج از اوپک که از اوپک در کاهش تولید و صدور حمایت نمودند، می‌خواستند و هنوز هم می‌خواهند که قیمت نفت در حد عادلانه باشد، اما بالا بودن قیمت نفت در حال حاضر اولاً بالاتر

شرايطي که بهبود وضع اقتصاد جهاني، تقدما  
براي نفت را افزایش داده است.  
بالا رفتن قيمت نفت به نفع ايران شده است.  
در اين رابطه اما نباید از نظر دور داشت که اولاً  
بالا رفتن قيمت نفت در درازمدت به بالارفتن  
قيمت توليدات صنعتي کشورهای غربي  
مي انجامد و لذا اثر افزایش قيمت نفت بر  
کشورهای تولیدکننده نفت را تحد زويادي خوش  
مي کند و ثانياً ايران در شرایط قبلی پائين بودن  
بهای نفت، مقدار مستحبه از نفت صادراتي خود  
را پيش فروش کرده است. با تمام اين اوصاف  
افزایش قيمت نفت توان مالي اين کشور را هم  
در زمينه واردات و هم در زمينه باري زيرداخت  
بدهي های خارجي افزایش قابل ملاحظه ای داده  
است و می توان گفت که رياست جمهوري آقاي  
خاتمي به طور ناخواسته با رونق اقتصادي  
ایران از نظر درآمدهای نفتی همراه شده  
است.

## نگاهی به چنیش کمونیستی در روسیه

تقریبیں و برگردان: ع. بھار

در رابطه با همه مسائل از رئیس جمهور حمایت به عمل می آورد، حزب کمونیست های بلاروس (KPRF) در رابطه با مسائلی که به امور داخلی کشور مربوط می گردد با رئیس جمهور لوکاشنکو در موضع اپوزیسیون قرار دارد. در رویه هیچ حزب کمونیستی از پوتین و کرملین حمایت نمی کند. تصویر شابهی هم در رابطه با مسائل اقتصادی وجود دارد. کمونیست های بلاروس چندگانگی ساختار سیستم اقتصادی را پدیده طبیعی مراحله رشد در حال حاضر می دانند. اما در رویه تنشی KPRF چنین سیستم اقتصادی را برای مرحله کنونی قبول ندارد. در عرصه ایدئولوژیکی هم مساله به این سادگی نیست. همه احزاب کمونیست در این دو کشور خود را مارکسیست - لینیست می دانند. اما در به کار بستن آن برای جهت گیری برنامه ای - استراتژیکی اختلافات اساسی وجود دارد. KPB مرحله کنونی در بلاروس را مرحله راهی ملی دانسته و بدین خاطر هم سیاست رئیس جمهور لوکاشنکو را مورد حمایت قرار می دهد. در رویه فقط KPRF از مبارزه رهایی خش ملی و ظرفیه پیوند زدن جنبش طبقاتی اجتماعی و جنبش رهانی ملی در یک جنبش مقاومت تعددی متعدد صحبت می کند. دیگر احزاب کمونیست فعالیت خود را تنها بر روی جنبش مقاومت اجتماعی متمرکز کرده اند. کدام جهت گیری را می بایستی که برای حزب مشترک مقدم شمرد؟ تروشکوف اشاره می کند که، بدون روش شدن این مسائل نمی توان برname یک حزب مشترک را تهیه نماید. برای ناظران خارجی این سوال مطرح است که، چگونه هنگامی که اتحاد احزاب کمونیست موجود در هر دو کشور ظاهرآ دست یافته به نظر می رسد می توان در زندگی واقعی سیاسی حزب مشترکی را برای دو کشور به وجود آورده؟ آیا اشتقاق هم چنان ادامه خواهد داشت؟

۲۰۰۰) گزارش نمود تضعیف حزب کمونیست است. زمانی که برای حملات شدید علیه KPRF انتخاب شده اتفاقی نیست. پس از مشخص شدن ایران آرا کسونیست‌ها در انتخابات دوما پارلمان روسیه و ریاست جمهوری که خلاف انتظار ماین بوده، آشتفتگی فکری امنیگر چپ و بخش از کسونیست‌ها گردیده است. مشکل که معمولاً به هنگام شکست و یا عدم موفقیت پیش می‌آید و چیز تازه‌ای نیست. رای پشت سر گذاشتن چنین وضعیتی می‌باشد که کم‌کاری‌ها و اشتباهات مورد تقدیر بررسی قرار گیرند. از این جهت استقاد از KPRF رهبری آن زیگانف لازم است. چنین انتقادی هم در پلنوم ماده کمیته مرکزی این نزب صورت گرفت. البته حق استقاد شامل حال سایر کسونیست‌هایی که عضو این حزب می‌باشند نیز می‌گردد، اما نمی‌تواند دلیل برای راخواندن انشعاب در این حزب باشد.

در گیری ماین کسونیست‌ها غیرقابل فهم و اسلف‌آور است. فعالیت‌های اتحادیه احزاب کسونیست اتحاد شوروی در گذشته موجب مکاری‌های عملی کسونیست‌ها از احزاب مختلف گردید و روابطی بین این تشکل و KPRF سیار سازنده و رفیقانه بود. هم‌چنین ایده تشکیل حزب کسونیست مشترک بین روسیه و لاروس با توجه به مصوبه دوما برای ایجاد کن اتحادیه بین این دو کشور، ایده درست و روری است. استقاد KPRF در درجه اول متوجه شتابزدگی و ناهماهنگی با سایر احزاب

از قرار معلوم ظاهرآ بیماری لاغر اشتقاق در جنبش چپ، بیماری کشور خاصی نیست. این عارضه رامی توان در سایر کشورها نیز مشاهده نمود و متأسفانه روسیه هم پس از فروپاشی شوروی به این بیماری مبتلا گردیده است.

ایران اواستاچی در بررسی خود در سال ۱۹۹۸ نتیجه گرفت که «پلورالیسم حزبی موجود در جنبش کمونیستی فعلی روسیه بزرگترین ضرر و زیان را متوجه جنبش کارگری روسیه نموده است. سین دین خاطر پیوند و ایجاد خودآگاهی و سازماندهی توده‌های کارورزان برای مبارزه علیه رژیم ارتجاعی، برای حاکمیت زحمتکشان و نوزایش سوسیالیستی در کشورمان با مشکل موافقه گردیده است. تعداد هر چه بیشتری از انسان‌ها به این نتیجه می‌رسند که مانع اصلی برای رسیدن به اتحاد حزب کمونیست تمایلات رهبران حزبی است که می‌خواهند تا «رنیس قبیله خود» باقی بمانند حتی اگر چه که این قبیله خوبی هم کوچک باشد» (دیالوگ، مسکو، شماره ۴-۴، ۱۹۹۸).

برای نشان دادن میرزا پیشرفت این بیماری کافی است تا نگاهی به شرایط کمونیست (شماره ۴، ژوئیه - اوت ۲۰۰۰) بیندازیم. در آنجا در «اطلاعیه کمیته هماهنگی پلاتفرم مارکسیستی - لینین استالینیستی در جنبش کمونیست» می‌خوانیم که، در آوریل امسال ۲۶ حزبی که خود را کمونیست می‌نامند، در روسیه فعالیت دارند. با توجه به این که مشکل بتوان اکثر آنها را به عنوان حزب به رسمیت شناخت، چرا که تعداد اعضای شان قلیل بوده و توان فعالیت گسترده در کشور را ندارند، اما تعدادشان نشان‌دهنده شکاف عمیق درون جنبش است. در وزارت دادگستری فدراسیون روسیه تنها حزب کمونیست کارگری روسیه (RKRP) و حزب کمونیست فدراسیون روسیه (KPRF) به ثبت رسیده‌اند. بر اساس گفته ویکتور ترووشکوف عضو کمیته مرکزی KPRF تا ۹۰ درصد